ماهنامه
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان

در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۶ در صوفیه کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان افتتاح یافت و پس از استماع گزارش مفصل رفیق ژیوکف ، دبیر اول حزب و گزارش کمیسیون تفتیش و اجرای انتخابات ارگانهای حزبی در تاریخ ۱۹ نوامبر پایان پذیرفت .

در این کنگره ۷۳ هیئت نمایندگی ازطرف احزاب کمونیستی وکارگری بعنوان مهمان شرکت داشتند و موفقیتهای بزرگ حزب کمونیست بلغارستان را تبریک گفتند و شش حزب برادر نیز که نتوانسته بودند بموقع حضور بهمرسانند تلگراف تبریک خود را ارسال داشته بودند . تنها حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی بدعوت رفقای بلغار جواب رد داده و از شرکت خود داری کرده بودند .

کلیه نمایندگان با شور فراوانی آماده گی حزب خود را برای کمک به مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام اعلام داشته و این سیاست رهبری حزب کمونیست چین که حتی وحدت عمل برای کمک بمردم ویتنام را رد میکند از جانب اکثریت قاطع نمایندگان احزاب محکوم شد .

بسیاری از نمایندگان معتقد به لزوم تشکیل جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری بودند و آنرا یکی از مسائل مبرم جنبش جهانی کمونیستی و کارگری میشمردند .

هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز جزء

بقیه در صفحه ۷

اعتبار بین المللی حزب توده ایران

در جریان برگزاری بیست و پنجمین سال تأسیس حزب توده ایران احزاب برادر ضمن تلگرافهای شادباش خود از مجاهدات انقلابی طولانی حزب ما با تجلیل و تحسین یاد کردند، برای مبارزاتی که حزب در طول یك ربع قرن به بهای قربانیهای سنگین و تحمل شدائد و محرومیتهای فراوان علیه امپریالیسم و ارتجاع ودر راه آرمانهای واقعی زحمتکشان ایران انجام داده است ارزش عالی قائل شدند و مراتب پشتیبانی و همبستگی عمیق خود را بامبارزه ایکه اکنون حزب ما درشرایط بسیار دشوار بخاطر منافع حیاتی وتأمین سعادت واقعی توده‌های مردم بدان مشغولست ابراز داشتند .

احزاب برادر در تلگرافهای خود اهمیت تاریخی حزب ما و نقش برجسته ای را که نه فقط در پیشرفت جنبش انقلابی ایران بلکه در پیشبرد جنبش آزادیخش ملی سراسر خاور نزدیك و میانه ایفا کرده است خاطر نشان کرده اند .

ارزیابی احزاب مارکسیست ـ لنینیست در باره حزب ما و مبارزات تاریخی آن و تجلیلی که از قهرمانیها و فداکاریهای اعضای آن کرده اند با وضوح تمام نشان میدهد که حزب توده ایران حتی در شرایط دشوار کنونی که مجبور است مبارزه خود را در اختفاء کامل انجام دهد و نیروهای ارتجاعی با تمام قوا از بسط دامنه فعالیت آن جلوگیری میکنند ـ در جنبش جهانی انقلابی از چنه احترام عمیق و اعتبار بین المللی ارزنده ای برخوردار است .

نکته ای که در تلگراف بسیاری از احزاب خاطر نشان شده اینستکه آنها جریان مبارزه حزب توده ایران را همواره با علاقه و دقت تمام تعقیب کرده اند و از دشواریهای فراوانی که حزب ما در اثر سرکوب دموکراسی و فقدان هرگونه آزادی سیاسی و اجتماعی در فعالیت خود با آن روبروست آگاهند و سرسختی و پیگیری خاصی را که حزب ما درچنین شرایطی برای ادامه مبارزه از خود نشان میدهد میستایند .

در نامه حزب کمونیست عراق بدین مناسبت نوشته شده است : «حزب توده برادر علیرغم وضع دشوار خود با قدرت و پیگیری مبارزه در پیشاپیش مردم ایران ادامه میدهد . قربانیهای فراوانی که حزب در این راه داده است نه فقط اراده وپیگیری و اعتقاد آنرا به هدف عادلانه مردم ایران سست نکرده بلکه آنرا تقویت نموده و بآن استحکام و اعتماد بیشتری بخشیده است» .

مبارزه حزب ما در دوران موجودیت ۲۵ ساله اش از فراز و نشیب بسیار گذشته

بقیه در صفحه ۲

نامه شاد باش
کمیته مرکزی حزب توده ایران
بمناسبت شصتمین سال تولد رفیق برژنف

بدبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی
رفیق لئونید ایلیچ برژنف

رفیق عزیز لئونید ایلیچ !

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران و کلیه اعضاء حزب بمناسبت شصتمین سال تولد شما شادباش صمیمانه را تقدیم میداریم و برای شما کامیابیهای بزرگ در مبارزاتی که بر رأس حزب کمونیست اتحاد شوروی ، حزب لنین انجام میدهید ، یعنی مبارزه بخاطر امر شریف ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی ، مبارزه اصولی برای پاکیزگی مارکسیسم ـ لنینیسم ، دفاع از اصول انترناسیونالیسم پرولتری و تحکیم وحدت و همبستگی جنبش کمونیستی و کارگری جهان خواستاریم .

یادی از ۲۱ آذر
وجنبش دمکراتیك مردم آذربایجان

ارتجاع ایران در هر سال ۲۱ آذر ۱۳۲۵ را یادآور کشتار جنگلیان علیه آذربایجان و سرکوب جنبش دمکراتیك این سالهای جشن میگیرد ! در این روز جراید و رادیو دوائی سخنان پر لاف و گزاف خود را درباره آنکه شاه «منجی آذربایجان» از جنگ «توطئه تجزیه طلبان» است تکرار می کنند ولی برای مردم ایران ۲۱ آذر موجد خاطرات دیگری است ، در این روز در آذربایجان نهضتی با خواستهای مترقی پدیدآمد و پس از یکسال کار پر ثمر در همین روز این نهضت بسرکوب امپریالیسم و ارتجاع در خون غرق شد . خطوری آذربایجان را تهدید نمی کرد تا کسی آنرا فجاعت دهد . اگر «نجاتی» بدست شاه ، رزم آراو کوام ، و دیگر عناصری از این نوع انجام گرفته باشد نجات خلقهاازاهانت‌ومذلت ارتجاع و امپریالیسم از چنگ‌باز خواست مردم است . اگر «نجاتی» انجام گرفته باشد نجات دژام پوسیده ارتجاعی‌ایران‌از زوال است نه چیز دیگر .

حزب ما از همان آغاز پیدایش جنبش تا امروز تصریح کرده که جنبش دمکراتیك آذربایجان که پرهیزی فرقه دموکرات‌آذربایجان و صدر آن شادروان‌پیشه‌وری پدید شد یك جنبش ضد فئودالی ضد امپریالیسم ، آزادیخواهانه و مترقی بود . سران جنبش بار ها دلسوزی خود را به خط تمامیت‌ارضی و استقلال تام و تمام ایران اعلام داشتند . آنها بارها گفتند که در چارچوب میهن واحد ما ایران خواستار حقوق فرهنگی و ملی خود هستند و میلنند که جنبش

بقیه در صفحه ۷

زنان و مادران !
جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنید
و آنرا به پیروزی برسانید !

۶۱ سال پیش هنگامیکه براثر مبارزات جانبازانه مردم در انقلاب مشروطیت ، شاه مستبد وقت مجبور بامضاء قانون اساسی گردید، هدف آن بود که حقوق انسانی افراد وآحاد مردم و حقوق و تکالیف ارگانهای منتخب مردم، بصورت قانون اساسی کشور درآید تا دیگر « هوی و هوس فلان مستبد تخت نشین و نه قوانین موضوعه بعدی بتوانند حقوق ملت را نقض نموده و مبانی حکومت دموکراسی را متزلزل نمایند . بر این مبنا، اصول مصرحه در قانون اساسی بمنزله «قانون مادر» میباید پایه و اساس کلیه قوانین باشد و هر قانونی که بنحوی از انحاء با قانون اساسی درتعارض قرار گیرد و اصول آنرا نقض کند از نظر قضائی بی اعتبار و فاقد ارزش قانونی است . بعنوان نمونه از قانون مدنی یاد میکنیم .

قانون مدنی که در قانون مدنی ناقض قانون اساسی است

بصیغه قدرت رضاشاه باصطلاح « منجی زنان » تدوین و به تصویب رسیده است ، در بخشی که مربوط به حقوق زن و مرد وقوانین ارث ، ازدواج ، طلاق ، ولایت حضانت میشود با اصول قانون اساسی مغایرت تام دارد . اصل هشتم متمم قانون اساسی میگوید ، « اهالی مملکت ایران در مقابل قانون مساوی الحقوقند » بنا بر مدلول این ماده ، هیچ قانونی نباید بین افراد ملت تمایز قائل شود ، یکی را بر دیگری مرجح دارد، یکی را بر دیگری مسلط سازد . قانون مدنی بر خلاف نص صریح قانون اساسی ، زن را « بعنوان عضو متساوی الحقوق جامعه وخانواده بلکه بعنوان برده و اسیر مرد » از بسیاری از حقوق انسانی خودمحروم نموده‌برای مرد بعنوان «انسان ممتاز» حقوق بی حد و حصری در خانواده قائل شده است .

مثلا درفصل مربوط به ارث تصریح شده است که : پسر دو برابر دختر ارث میبرد (ماده ۹۰۷). حصه ذکور ازارث دوبرابر اناث است (مواد ۹۲۰ ـ ۹۲۳ ـ ۹۲۴) . مرد از تمام اموال زن ارث میبرد اما زن فقط از اموال منقول، از ابنیه و اشجار (مادهٔ ۹۴۶).

بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

اعتبار بین المللی حزب توده ایران

و با کامیابیها و ناکامیهای فراوان توأم بوده است. احزابی که در شرایطی شبیه بشرایط ما مبارزه میکنند اهمیت تجارب حزب ما و استفاده از آنرا درکار انقلابی خویش تصریح کرده اند.

حزب کمونیست سودان در تلگراف تبریک خود نوشته است: «۲۵ سال در زندگی احزاب دوران کوتاهی است. بااینهمه در همین دوران کوتاه، شما طی آزمایشهای سخت اعتقاد خود را به راه مردم، وفاداری خود را به اصول مارکسیسم - لنینیسم و شجاعت و ارادهٔ تزلزل ناپذیر خود را باثبات رسانده اید. اینك که ما درکار تبدیل خود یك حزب واقعاً توده ای انقلابی هستیم از جمله از تجارب شما استفاده میکنیم».

اهمیت مبارزه انقلابی حزب توده ایران در پیشرفت جنبشهای انقلابی و آزادیخش خاور نزدیك و میانه در ارزیابی بسیاری از احزاب برادر منعکس است. مثلا در نامه تبریك حزب کمونیست ترکیه ضمن اشاره باین نکته گفته میشود، «رفقای ایرانی با کامیابیهای خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به کمونیستهای ترك نیز که درشرایط اختفاء عمیق و تضییقات شدید علیه همان دشمنان مبارزه میکنند الهام بخشیده و موجب تشدید فعالیت سایر نیروهای آزادیخواه کشور ما گردیده اند».

البته احترام و اعتباری که حزب ما در نزد احزاب مارکسیست - لنینیست و کلیه انقلابیون جهان کسب کرده آسان و ارزان بدست نیامده است. این اعتبار بین المللی ره آورد مبارزات پیگیریست که حزب توده ایران در سراسر دوران حیات خویش بخاطر بهترین آرمانهای مردم ایران انجام داده است. در جریان این مبارزات صدها تن از بهترین فرزندان حزب بدست دژخیمان شاه کشته شدند، هزاران تن از اعضاء حزب زندان افتادند و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند، بهترین سالهای جوانی و عمر بسیاری از توده ایها در گوشهٔ زندانها گذشت، هزاران تن از اعضاء حزب انواع مصائب و محرومیتها را متحمل شده اند، هزاران تن از مجاهدین حزبی بجلای وطن مجبور گردیده و ازشرکت مستقیم در حیات اجتماعی کشور خویش محروم شده اند. ولی نه تیرباران، نه زجر وشکنجه، نه تبعید و زندان نتوانسته است مبارزه آشتی ناپذیر این حزب اصیل توده ای را که از اعماق مردم برخاسته و در راه منافع حیاتی آنان مجاهدت میورزد حتی یك روز متوقف سازد و روح انقلابی و شور مبارزه را در اعضای حزب خاموش کند.

مبارزات حزب توده ایران بعلت خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن در بسیاری از عرصه ها با مبارزات سایر احزاب برادر وجه مشترك داشته واین احزاب برای این مبارزات اهمیت خاص قائلند.

حزب ما در ایران نخستین و یگانه حزبی بود که بلافاصله پس از تأسیس خود مبارزه دامنه داری را علیه فاشیسم آلمان و ایدئولوژی ضد انسانی آن آغاز نهاد و در تمام دوران جنگ جهانی دوم با نهایت سرسختی آنرا ادامه داد.

مبارزات حزب توده ایران علیه امپریالیسم انگلیس و عمال سرشناس آن و سپس علیه امپریالیسم امریکا و توسعه طلبی روز افزون آن در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی که در آغاز توسط میسیون میلیسو انجام میگرفت از صفحات پرجمله تاریخ جنبش انقلابی معاصر ایران است. در نتیجه این مبارزات چهرهٔ واقعی امپریالیسم انگلستان و امریکا بیقناعی وسیع برای توده های زحمتکش آشکار شد و زمینه برای جنبش بزرگ ضد استعماری اواخر سالهای ۲۰ و اوایل سالهای ۳۰ فراهم گردید. بجرئت میتوان گفت که بدون مجاهدات عظیم حزب توده ایران در زمینه بالا بردن شعور اجتماعی توده های خلق و مأنوس ساختن آنها با اندیشهٔ تشکل و همکاری در سازمانهای سیاسی و بدون شرکت فعال سازمانهای علنی و غیرعلنی این حزب ممکن نبود نهضت تاریخی توده های مردم در اوایل سالهای سی ام چنین دامنه عظیم و وسیعی بخود بگیرد. مکتب سیاسی حزب توده ایران لازم بود تا طبقات زحمتکش در آن سالها آمادگی لازم را برای پیکار عظیم ضد استعمار بدست آورند. بیهوده نیست که حزب کمونیست هندوستان در نامه تبریك خود مینویسد «حزب ما پیوسته کار و مبارزهٔ حزب شما را با علاقه و تحسین دنبال نموده است. نقش مهم حزب شما در دوران جنگ و مبارزات ضد امپریالیستی شما پس از جنگ خاطره اش هنوز برای ما زنده است...

حزب توده ایران پیوسته علیه نفوذ تز کلنیالیستی امپریالیسم، جهت القاء امتیازات نفت انحصار های انگلیسی و امریکائی مبارزه کرده است. حزب شما در مبارزه برای ملی کردن نفت نقش عظیم ایفاء نموده است».

حزب توده ایران در سراسر دوران حیات پر فراز و نشیب خود همواره مدافع آشتیپذیر جنبشهای انقلابی خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده است وبهمین جهت در خانواده مجاهدان جنبش آزادیخش ملل تمام کشورها مقام شایسته دارد و از احترام و علاقه پرشور آنان برخوردار است.

حزب زحمتکشان ویت نام - پیشاهنگ انقلابی خلق قهرمان ویتنام در نامه پرشورخود بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب ما مینویسد «حزب توده ایران در ۲۵ سال گذشته مبارزه قهرمانانهٔ مردم ایران را علیه استعمار و استبداد سلطنتی محافل داخلی که با امپریالیستهای امریکا و انگلیس در توطئه اند و در راه دفاع از استقلال ملی، دموکراسی، آزادی و تأمین رفاه زحمتکشان ایران با پیگیری رهبری کرده است... حزب زحمتکشان ویتنام از مبارزه دلاورانه شما با شور و هیجان تمام پشتیبانی میکند. ما دربیکار کنونی خود علیه تجاوز تهکارانه امپریالیستهای امریکا پیوسته از توافق روز افزون وحمایت وسیع احزاب برادر و خلقهای سراسر جهان و از جمله حزب توده ایران و طبقه کارگر و مردم ایران برخورداریم وبدینوسیله ازحزب شما و طبقه کارگر و مردم ایران بخاطر این حمایت صمیمانه سپاسگزاریم».

این ارزیابی گرانبهای حزب قهرمان زحمتکشان ویتنام نشانهٔ مایهٔ سربلندی خلقی است که حزب توده ایران با حق صدیقترین و پیگیرترین مدافع آرمانهای حیاتی خویش میباشد.

حزب ما پشتیبانی مجدانه از سیاست صلحدوستانه کشورهای سوسیالیستی، پشتیبانی فعال ازمبارزات تاریخی دوراندیش حزب بزرگ لنین، حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر و از کشورهای سوسیالیستی ازوظایف خودمیشمارد وکامیابیهای این کشورها و نیرومندی هرچه بیشتر آنها را وثیقهٔ مطمئن تکامل جنبشهای مترقی و ترقی و تعالی اجتماعی در سایر کشورهای جهان و از جمله درمیهن ما ایران میداند.

حزب توده ایران تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی را مهمترین شرط پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم متجاوز امریکا میشمارد وبهمین جهت در چارچوب امکانات معمود خود باتمام قوا در راه تحکیم وحدت این جنبش بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و علیه هرگونه فعالیت تفرقه جویانه وانشعابگرانه درجنبش مبارزه میکند. مجاهدات پیگیر حزب ما در راه تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و دفاع از اصول مارکسیسم - لنینیسم یکی دیگر از عواملی است که اعتبار بین المللی آنرا در نزد احزاب برادر بالا برده است. احزاب برادر در نامه های تبریك خود برای تلاشهای حزب توده ایران در این زمینه ارزشی عالی قائل شده اند. در تلگراف حزب کمونیست بلغارستان گفته شده است، «کمونیستهای بلغارستان برای وفاداری حزب توده ایران باصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برای مبارزهٔ آشتی ناپذیری که در شرایط کار مخفی علیه انواع انحرافات از این اصول انجام میدهد ارزش عالی قائل هستند».

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان در نامه شادباش خود پس از ذکر این نکته که، «حزب توده ایران با مبارزه پیگیر خود در راه آزادی ملت ایران از قید تسلط انحصارات خارجی و ارتجاع ایران به یك حزب واقعی ملی و به پرچمدار مبارزه انقلابی ملت ایران مبدل شده است» مینویسد، «حزب سوسیالیست متحده آلمان و حزب توده ایران همراه با سایر احزاب مارکسیست - لنینیست سراسر جهان برای تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی براساس اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و برای اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی میکوشند».

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در نامه تبریك خود نوشته است، «ما به کوششهائی که شما برای حفظ یاکیزگی اندیشه های کمونیستی و برای تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی مبذول میدارید ارج فراوان میگذاریم».

سایر احزاب برادر نیز برای مجاهدات حزب ما در این زمینه همین ارزش عالی را قائل شده اند.

پیگیری و ایستادگی حزب توده ایران در مبارزه بخاطر هدفهای اساسی و آرمانهای حیاتی مردم، وفاداری آن باصول مارکسیسم - لنینیسم و خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن علاوه بر عشق و علاقه و اعتماد توده های مردم اعتبار بین المللی گرانبهائی را برای حزب توده ایران تأمین کرده است. جمع این دو عامل است که حزب توده ایران را علیرغم محدود بودن موقت دامنه فعالیت آن بحال کار وفعالیت در شرایط اختفاء کامل و علیرغم ترخیص نقائص و اشتباهات، همچنان بعنوان بزرگترین و اصیل ترین حزب سیاسی کشور محفوظ نگاهداشته است. ما هیچ حزب سیاسی دیگری را در ایران سراغ نداریم که از چنین احترام و اعتمادی در میان مردم و از چنین اعتباری در جنبش عظیم انقلابی جهان معاصر برخوردار باشد.

هیچ نیروی سیاسی واقعاً ملی و میهن پرست که به سرنوشت جنبش اجتماعی ایران علاقمند باشد نمیتواند و حق ندارد نیروئی چون حزب توده ایران را نادیده انگارد. خود داری ازهمکاری با چنین نیروئی جز زیان هیچ نتیجه ای برای سازمانهای ملی و مترقی کشور در پی نخواهد داشت.

حزب توده ایران از نیروی اعتماد و علاقه مردم به خود و از اعتبار بین المللی خود همواره برای پیشرفت جنبش انقلابی کشور و کمك به نیروها و عناصر واقعاً ملی و مترقی استفاده کرده و خواهد کرد.

خوانندگان عزیز

توجه فرمائید!

بنابه پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شنوندگان گرامی رادیو پیك ایران، از ساعات پخش رادیو بشرح زیر تغییر داده شده است.

رادیو پیك ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند. در ساعت ۶ بعد ازظهر پس از اعلام برنامه بزبان فارسی، گفتاربزبان کردی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میباید. از ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۷ برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ تا ۷ و ۵۰ دقیقه برنامهٔ فارسی پخش میگردد. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه میباید. ازخوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات وامواج رادیو پیك ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

هدف های استراتژیك و وظایف مبرم حزب ما

۱- چهار عرصهٔ بررسی و تحلیل

در برابر حزب طبقه کارگر، حزب طراز نوینی که به جهان بینی علمی پر توان مارکسیسم - لنینیسم مجهز است چهار عرصهٔ مستمر بررسی و تحلیل وجود دارد و یا مطالعه دائمی این چهار عرصه، برآورد وضع، ارزیابی پدیده ها، دیدن کمبودیها و بیرون کشیدن وظایف استراتژیك و تاکتیکی خود از این تحلیل، حزب قادر است مشی خود را دائماً بشکل واقع بیانه ای تنظیم کند، دچار انحرافها، جنبه های غلط، سردرگمیها، و ابهام ها نشود و درك سالم، دید سالم و لذا عمل سالم داشته باشد.

این یك تلاش تئوریك دائمی و مهم و پرنتیجی است که باید از طرف حزب طبقه کارگر انجام گیرد و مسئله انطباق خلاق اصول مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط ویژهٔ هر کشور جز این نیست.

این چهار عرصهٔ مستمر بررسی و تحلیل عبارتست از: جهان، کشور، جنبش وحزب. در همه این عرصه های چهارگانه واقعیت متحرك و متنوع در حال تغییر و تحول است، بررسیها، تحلیل ها و استنتاجها در برخی نکات خود کهنه میشود و لازم است بررسیها و تحلیل و استنتاجهای تازه تری جانشین آنها گردند. البته این عمل تحلیلی و تعمیمی تنها برای تدارك تئوری انطباقی حزب است. و پس از آن مرحله بسیار پرنرخ و دشوار عمل و مبارزه انقلابی فرا میرسد و در این مرحله است که صحت و سقم و یا باصطلاح عیار تئوری ها و نظریات، شعارها و رهنمود ها روشن میگردد، در این مرحله است که حزب میتواند جوهر واقعی خود را نشان دهد و ثابت کند که آیا باجراء آنچه که میگوید لایق است یا نه. سخن ما در این مقاله عجالتاً معطوف مرحله اول یعنی مرحلهٔ تعمیم و انطباق تئوریك است.

حزب توده ایران طی سالهای اخیر تلاشهای مکرر و متعدد برای روشن کردن خط مشی خود در مسائل بین المللی، در مسائل استراتژی و تاکتیك حزب طبقه کارگر در مرحلهٔ انقلاب دمکراتیك ملی، در مسائل مربوط به جبهه واحد و وحدت عمل نیروهای ملی و دمکراتیك، در مسائل مربوط به ساختمان حزب و شیوه‌های کار و درشرایط امروزی و اشکال مختلف مبارزه در این شرایط، انجام داده ولی ادعای آنکه این کوشش موفق شده است کلیه مسائل را بدرستی و یا بشکل نهائی حل کند، ناچار نمیتواند ادعای درستی باشد. هنوز باید تلاش منظم و جدی بسیاری انجام گیرد تا ارزیابی صحیح در چهار عرصهٔ موردبحث به نتایج منفع برسد و استراتژی و تاکتیك حزب، وظایف حزب در هر عرصه ای بدرستی روشن شود. بهترین راه حل این عمل توسل به مشورت جمعی، توسل به خرد جمعی است. عصر پیشوایان منفرد در دوران ما گذشته است. مسائل بقدری ذو جوانب و پرنرخ است که درك و هضم و تحلیل آنها و استنتاج از آنها باید به یك کار مستمر جمعی بدل گردد. حزب بهمین مناسبت از همهٔ رفقای حزبی خواست است نظریات انتقادی و اصلاحی و تکمیلی خود را درباره ترهای ۲۵ - مین سال حزب که در آن بکلیه مسائل استراتژی و تاکتیك و ارزیابی وضع کنونی ایران تشریح شده است بیان دارند. ما اینك بکبار دیگر این خواهش از رفقای حزبی را تکرار میکنیم.

شایان تصریح است که تنظیم مشی حزب در عرصه های چهارگانه که باید با شورجمعی و باتکاء خرد جمعی انجام گیرد نیازمند محیط درك متقابل، کمك متقابل فکری، انتقادخلاق، بی دریغ بودن در عرضه داشت پیشنهاد ها و ابتکارها و تصمیم های تازه است.

و نیز باید توجه داشت که در انتقاد از اسناد ومقالات تحلیلی دردرجه اول، توجه باید معطوف سمت و ماهیت تحلیل شود، نه این یا آن لفظ، این یا آن عبارت و فرمولبندی نارسا که احتراز از آنها عملا دشوار است. این بدان معنی نیست که انتقاد از اصطلاحات و عبارات نباید جائی داشته باشد، بلکه بدانمعنی است که آنرا باید (البته جز در موارد استثنائی) در درجه دوم توجه قرار داد.

پس از انتشار ترهای ۲۵ - مین سال حزب، رهبری حزب و ارگانهای کار ایده‌ئولوژیك به تلاش خود برای روشن کردن مسائل استراتژی و تاکتیك حزب در شرایط کنونی ادامه دادند و سودمند شمردند که پروژه مسائل مربوط بوظایف مبرم و تاکتیکی حزب و رابطه آن با خط مشی استراتژیکی، برآورد پدیده های تازه ای که در کار رژیم دیده میشود، روشن کردن اشکال مبارزه را دنبال کنند. مقالهٔ حاضر که آن نیز تنها بعنوان یك کوشش برای حل مسائل مطروحه نگاشته شده، در این زمینه است. بدیهی است که ما از همه رفقائی که تلاش حزب را برای روشن‌ساختن وظایف خود بادقت دنبال میکنند توقع داریم نه فقط در مورد ترهای ۲۵-مین سال حزب، بلکه در باره این قبیل مقالات که در مردم و دنیا انتشار یافته و خواهد یافت نظر انتقادی، اصلاحی، تکمیلی خودرا بیان دارند. این وظیفه حزبی و الزامی آنهاست و بسود مبارزه ایست که آنها در آن شریکند. مسئلهٔ بسیار مهم و درعین حال دقیق و پرنرخ، یافتن تناسب صحیح بین هدف های استراتژیك و وظایف تاکتیك، مصاحبه وافتبات و هدفهای انقلابی، بین استواری اصولی و نرمش عملی است. اگر در حل این مسئله چیزوی یا راست روی شود، تناسب صحیح (که خود در جریان عمل در حال حرکت و تغییراست) بدست نیامده است. لذا مسلماً نظریاتی که برای «حل» مسائل بیان میشود باید با نهایت دقت مورد بررسی قرار گیرد تا خش ها و گرایشهای انحرافی درآن راه نیابد یابموقع اصلاح شود. کسی که می‌اندیشد و عمل میکند اشتباه میکند. اشتباه عیب نیست، لجاج در اشتباه عیب است. اگرهمه این اسالیب لنینی در مشی و اصلاح آن مراعات گردد، میتوان بدون تصادمهای مضر وظیفه مقرررا بسرانجام رساند.

۲- زیده‌ای از تحلیل اجتماعی وسیاسی حزب ما

چنانکه گفتیم حزب توده ایران دریك سلسله اسناد خود از پلنوم یازدهم کمیتهٔ مرکزی ببعد کوشید بتدریج خط مشی سیاسی وتبلیغاتی خودرا روشن ومنقح سازد و این خط مشی‌را هم از مشی سکتاریستی و ماجراجویانه (که مایل است هدف های استراتژیك انقلاب را بدون وجودشرایط ضرور ذهنی وعینی آن و تنها باتکاء اراده واحساسات پیشاهنگان عملی گرداند) هم ازمشی اپورتونیستی و رفورمیستی (که خواستاردماز شدن باوضع، انصراف از خواست تحول بنیادی جامعه و بسنده کردن به ایجاد تغییرات که باید در چهارچوب رژیم موجود است) مجزا کند و متمایز نماید.

تلاش حزب در این زمینه اکنون به نتایج روشن تری رسیده است که میتوان آنرا در نکات زیرین خلاصه کرد:

انقلاب ایران در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیك باید بیان دیگرانقلاب دموکراتیك طراز نوینی است که باید در یك کشور کم رشد و توأم وابستگی بامپریالیسم تحقق یابد. هدف این انقلاب ایجاد یك حکومت ملی دموکراتیك است، حکومتی که از جهت سیاسی در بالاترین شکل خود اتحاد نیروهای دموکراتیك و ملی برهبری پرولتاریاست و از جهت اقتصادی راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش میگیرد و جادهٔ سیر بسوی سوسیالیسم را هموار میسازد. رسالت تاریخی پرولتاریا و حزب اوست که برای احراز سر کردگی دراین انقلاب بکوشد ولی روشن است که این امر تنها به خواست وی مربوط نیست. برای تحقق انقلاب ایران بطریق عینی (وضع انقلابی) و شرایط ذهنی (وجود حزب باندازه کافی آماده و مجهز طبقه کارگر و اتحاد نیرو های تحول طلب) لازم است. بدون وجود این شرایط عینی و ذهنی طرح شعار استراتژیك بمثابه یك شعار مبرم و یك وظیفه روز یك طرح انتزاعی و نادرست است. ماهیت این انقلاب انتقال قدرت از دست طبقات ارتجاعی بدست طبقات انقلابی است و اساساً شکل تحقق این انقلاب میتواند برحسب وضع یعنی بر حسب وجود یا فقدان دموکراسی در جامعه، مسالمت آمیز یا قهر آمیز باشد. اگر شرایط عینی و ذهنی انقلاب فراهم و در عین حال طرق مبارزهٔ دموکراتیك وتحول مسالمت آمیز مانند امروز مسدود باشد، ناچار نیروهای تحول طلب راه دیگری ندارند جز آنکه بشیوهٔ قهر آمیز انقلاب متوسل شوند. تمام این نکات پویژه در یك مقطع استراتژیك مطرح است. در شرایط کنونی علیرغم وجود تا خرسندی، همگانی و منفرد بودن شاه ورژیم او درافکار عمومی، هنوز شرایط عینی انقلاب در ایران فراهم نیست یعنی وضع انقلابی بمعنای علمی این کلمه وجود ندارد و شرایط ذهنی نیز دارای وضع غیر مساعدی است - یعنی حزب طبقه کارگر فاقد سازمان کافی و محکم است و در میان نیرو های تحول طلب وحدت عمل حکمروا نیست. ولذا طرح هدفهای استراتژیك بدون وجود شرایط ضرور و بدون داشتن تدارك سازمانی لازم بعنوان هدف مبرم، نه فقط سودی نمیرساند، بلکه موجب اتلاف انرژی و نیروی انقلابی است و انقلابیون را بیك گروه جدا شده از واقعیت بدل میسازد.

برخی، باتکاء نقل قول از مائوتسه‌دون استدلال میکنند که گویا خود مقاومت مسلحانه و جنگ پارتیزانی فاقد شرایط انقلابی را درجامعه پدید آورد و اینکه قیام مسلح تنها شکل نهائی و نقطه اوج یك جنبش مقاومت مسلحانه طولانی است و لذا میتوان بدون وجود وضع انقلابی و پس از تأمین تدارك معین سازمانی دست بعمل مسلحانه زد. آنچه که مسلم است کلاسیکهای مارکسیستی مسئله تحول انقلابی را بدین ترتیب مطرح نکرده اند. حزب با حفظ ایمان و اعتقاد بی خلل بضرورت انقلاب اجتماعی و اینکه در اثر تراکم تضادهای رژیم، شرایط این انقلاب در آینده نضج خواهد یافت برآنست که آنچه در شرایط کنونی مطرح است مبارزه در راه شعارهای مبرم و تاکتیکی است که میتواند راه نیل بهدفهای استراتژیك را هموار سازد. مبارزه در راه صلح و استقلال ملی، در راه آزادیها و حقوق دموکراتیك، برای ترقی و رفاه و کوشش برای بسط و تعمیق رفورمها، واداشتن رژیم بعقب نشینی های تازه تازه در همه جهات - چنین است مست های اساسی مبارزه در حال حاضر. اگر مطلق کردن شعار های استراتژیك بدون توجه بوضع نیرو های انقلابی، بدون توجه به آمادگی زمینهٔ اجتماعی یك عمل سکتاریستی و چپ روانه است، مطلق کردن شعار های تاکتیکی و فراموش کردن هدفهای استراتژیك، بسنده کردن ببارزات کم دامنه در راه این یا آن هدف مبرم بدون داشتن دورنمای انقلابی و تدارك فعال انقلاب نیز راست روی و تسلیم طلبی است. ولی توجه بوظایف مبرم ومشخص جامعه، جنبش رهائی بخش و حزب پیشاهنگ بسرای نیل بشرایط مساعدتر، بقصد هموار کردن راه تحول انقلابی جامعه یك سیاست انقلابی صحیح و واقع بیانه است. چنانکه گفتیم حفظ تناسب صحیح دیالکتیك بین هدفهای استراتژیك و تاکتیك وظیفه ایست دشوار ولی بی‌نهایت ضرور.

حزب ما طبق تجلیل علمی و بر حسب تجارب سیاسی سالهای اخیر گام بگام باین نتیجه صحیح نزدیك شده است. در عین حال

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۳

هدف های استراتژیك و وظایف مبرم حزب ما

حزب معتقد است که تاریخ پر از پرخشهای سریع و مستمد ایجاد شرایط غیر مترقب است. مشی سیاسی حزب باید بتواند چرخشها و دگرگونیها را همیشه بحساب آورد و از همهٔ امکانات واقعی که پنداری برای تسریع تحول جامعه استفاده کند. یك رهبری علمی نه فقط بر محاسبهٔ «امکانات» بلکه بر محاسبهٔ «احتمالات» دور و نزدیك نیز مبتنی است.

۳ـ شعارهای ما در شرایط کنونی

یکی از اسناد مهمی که در آن مسائل استراتژیك و تاکتیك انقلاب ایران مطرح گردیده است نوهائی است که بوروی کمیته مرکزی بمناسبت ۲۶ مین سالگرد حزب توده ایران نشر داده است.

اخیراً رهبری حزب در رهنمود هائی که برای ارگانهای تبلیغاتی تصویب کرده، شعار های مبرم و تاکتیکی را مشخص نموده است. مجموع این شعار ها میتواند نوعی «برنامهٔ حد اقل» حزب در شرایط کنونی قرار گیرد. حزب این شعار ها را در مقابل نیروهای ملی و دمو کراتیك بعنوان پایهٔ وحدت عمل و پلاتفرم مشترك مبارزه در اوضاع و احوال امروزی، مطرح مینماید و بر آنست که مبارزه مردم بویژه باید گرد این شعار ها سازمان یابد.

شعار های مبرم و تاکتیکی حزب را برای شرایط کنونی مبارزه میتوان در ذیل عناوین زیرین تلخیص کرد:

الف ـ در راه صلح و استقلال

شعار های مشخص ما در این زمینه چنین است، مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو و لغو قرارداد دو جانبه ایران و امریکا و الغاء قانون ننگین کاپیتولاسیون و اخراج مستشاران خارجی و مبارزه علیه اتحاد «پیمان اسلامی»، مبارزه برای اتخاذ سیاست بیطرفی، مبارزه برای بسط روابط ایران با کشور های سوسیالیستی و ملی، مبارزه در راه حقوق حقه ایران در صنایع نفت، مبارزه برای تأمین همبستگی ایران و جنبشهای مترقی و ملی کشور های عربی و حل مسائل مورد اختلاف با کشورهای ملی و مترقی عرب از طریق مذاکره، مبارزه علیه سیاست ورشکستگی آور «درهای باز» و بسود اتحاد یك سیاست بازرگانی سالم، مبارزه علیه فعالیت تاراج گرانه مؤسسات و سرمایه‌های امپریالیستی در ایران، مبارزه در راه اجراء یك سیاست صلح آمیز در جهان و در خاور میانه و افشاء سیاستهای حادثه جویانه و جاه طلبانه رژیم در این منطقه.

ب ـ در راه آزادیها و حقوق دمکراتیك چنین است، مبارزه در راه علنی شدن کلیه احزاب ملی و دمو کراتیك، برای عفو عمومی زندانیان و تبعیدیان سیاسی و تأمین امکان بازگشت پناهندگان سیاسی از خارج بایران، مبارزه برضد تجاوزات سازمان امنیت و شکنجه و آزار زندانیان و علیه ارجاع امور سیاسی بدادگاههای غیر صالح نظامی، مبارزه برای بسط فعالیت ها و آزادیهای سندیکائی، برای آزادی مطبوعات و انتخابات، برای تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و تأمین حقوق فرهنگی خلقهای ایران، مبارزه برای حقوق حقه اجتماعی و مدنی و فردی زنان. از آنجا که بنا بتصریح بوروی کمیته مرکزی در تز هائی که بمناسبت بیست و پنجمین سال حزب صادر کرده است مبارزه در راه آزادیها و حقوق دمو کراتیك عمده‌ترین محتوی مبارزات حزب ما را در شرایط کنونی تشکیل میدهد باید باین مبارزات توجه درجه اول معطوف گردد.

ج ـ در راه ترقی و رفاه عمومی

شعار های مشخص ما در این زمینه چنین است، مبارزه در راه صنعتی کردن کشور، مبارزه در راه دفاع از بخش دولتی و تأمین کنترل دمو کراتیك آن، مبارزه در راه بسط و تعمیق رفورمها و بویژه اصلاح ارضی و ترقی کشاورزی ایران، مبارزه در راه اصلاح دمو کراتیك قوانین مالیاتی، مبارزه برای بهبود زندگی زحمتکشان و اجراء قانون بیمه و قانون کار و بهبود وضع دستمزد و حقوق و مسکن و بهداشت مردم، مبارزه در راه خانمه دادن به مشکلات مزمن فرهنگی و تأمین آموزشگاه و معلم و کتاب کافی.

٤ ـ استفاده از اختلافات و شیوه برخورد به واقعیت

همانطور که در تز های مصوب بوروی کمیته مرکزی بمناسبت بیست و پنجمین سال حزب تصریح شده است حزب باید از کلیه اختلافات درونی هیئت حاکمه، از کلیه اختلافات هیئت حاکمه با این یا آن امپریالیسم، بسود پیشرفت مبارزهٔ مردم استفاده کند. در شرایط کنونی در بکسلسله مسائل عناصر ولو خفیف اختلاف ما بین هیئت حاکمه از طرفی و این یا آن امپریالیسم از طرف دیگر بروز کرده است. از لحاظ عینی این وضع خود معلول مبارزات مردم، تغییر تناسب قوا در عرصهٔ جهانی، رشد نیرو های مولده و ضرورتهای اقتصادی است و اما از لحاظ ذهنی انگیزه های هیئت حاکمه هر چه باشد در مصلحت مبارزه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است که این اختلاف را در نظر گیرند. همچنین مطالعهٔ دقیق وضع ایران و اظهارات سخنگویان رژیم نشان میدهد که در سرپرخی مسائل اقتصادی و سیاسی نیز بین جناحهای هیئت حاکمه برخی اختلاف نظرهای گاه قابل توجه پدید میشود. این امر نیز دارای همان علل عینی است که در مورد اختلاف هیئت حاکمه با امپریالیسم ذکر کرده ایم. در کلیه این موارد وظیفه ماست که اولاً این اختلافات را بفرستی درك و ارزیابی کنیم و ثانیاً از آنها استفاده کنیم و آنها را عیقتر سازیم و بدین ترتیب روزه هائی برای بسط بیشتر نهضت مردم فراهم آوریم. لنین تصریح میکند که اختلاف در اردو گاه خصم از جهت استراتژیك بی اهمیت است ولی از جهت تاکتیك شایان توجه است. لنین توصیه میکند که از این اختلافات برای هدفهای تاکتیکی استفاده شود.

دراختلافات مابین هیئت حاکمه ازطرفی و امپریالیسم از طرف دیگر، طرف ضربت اساسی مبارزه‌ما باید متوجه امپریالیسم باشد. در اختلافهای داخلی هیئت حاکمه باید ضربت اساسی متوجه آن افراد و گروههای هیئت حاکمه شود که از شعار ها و روش های ارتجاعی تری دفاع میکنند. درعین حال باید در همهٔ موارد کوشید تا هیچگونه پندار غلط و گمراهی آوری برای مردم پدید نشود و وجه مشترك کلیه گروههای هیئت حاکمه، وجه مشترك هیئت حاکمه و امپریالیسم و جنبهٔ ضد خلقی آنها بر مردم روشن گردد و مبارزهٔ مردم برای هدفهای دورتر حزب یعنی هدفهای استراتژیك وی بسیج شود. تجارب حزب ما نشان میدهد که در آمیختن هر دو این وظایف کاملاً عملی است.

ما وظیفه داریم که در تحلیل وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور دید و برخورد واقع بینانه داشته باشیم یعنی بدون بررسی فاکت ها و کسب اطلاع همه جانبه حکمی صادر نکنیم تا خود را از خطر ذهنی گری و استغراق و جنبه های غلط چپ و راست محفوظ نگاه داریم. باید نه فقط انتقاد اجتماعی ما واقع بینانه و مستدل باشد، بلکه باید همیشه بتوانیم آنرا تائید خود را در باره هر موضوع مشخصی ارائه دهیم تا سخن ما در نظر مردم مبنی بافی صرف بنظر نرسد و آنها را برای نیل به آماج مشخصی بسیج نماید.

از آن گذشته روش ما و تبلیغات ما باید نه فقط بصحت و کارائی محتوی خویش توجه کند، بلکه از اتخاذ راه و روش صرفاً و انحصاراً احساسی و فاقد استدلال مقنع احتراز ورزد. تردیدی نیست که بکار بردن روش احساسی و تهییجی در تبلیغات حزبی در موارد معینی ضرور است ولی ارائه سیاست حزب بطور اساسی وعمده باید مبتنی برشیوهٔ اقناعی عقلی باشد. افشاء اقدامات رژیم ضد ملی و ضد دمو کراتیك شاه و دربار سلطنتی یا مراعات چنین روشی مؤثر تر میگردد. آری روش ما بمثابه حزب انقلابی افشاء و مبارزه است نه ارشاد و انتقاد رفورمیست ما باك. ولی سخن بر آنست که باید این روش را بمؤثرترین و واقع بینانه ترین نحوی بکار برد.

قضاوت ما در مورد رژیم ایران

گرایشهای آینده

علیرغم آنکه رژیم در این اواخر از «سیاست مستقل ملی» دم میزند (و در واقع نیز در سمت پایی یك جهتهٔ سیاست خارجی ایران برخی تغییرات رخ داده است و روابط با کشورهای سوسیالیستی دائر گردیده و کمابیش بسط میابد و لذا پایگاه امپریالیسم کمر به بطور مطلق بسط یافته است ولی بطور نسبی محدودتر میشود و در برخی مسائل مانند روابط با کنسرسیوم نفت، پیمان سنتو، سیاست درهای باز برخی از سخنگویان رژیم لند لند هائی میکنند) رژیم کودتا کماکان یك رژیم ضدملی است زیرا هنوز هیچ گام جدی در جهت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور برداشته نشده است. علیرغم آنکه رژیم از روش «انقلابی» خود دم میزند و از اصلاحات خود سخن میگوید (و ضربانی به فئودالیسم درنتیجه اصلاحات ارضی وارد شده و برای صنعتی کردن کشور و ایجاد کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی گامهائی برداشته شده است) رژیم جنبهٔ ضد دمو کراتیك و ارتجاعی خود را حفظ کرده است و در مت کاهش ضد دمو کراتیك رژیم کمترین اقدامی دیده نمیشود. برعکس رژیم در حفظ اصول استبدادی و کیش شاهپرستی وابقاء شیوهٔ ترور و اختناق اصراری روز افزون دارد و اثری از کمترین عقب نشینی رژیم در این عرصه مشاهده نمیگردد. باید تصریح شود که تغییرات حاصله در رژیم تغییرات غیرماهوی است. رژیم در اثر مبارزه مردم و تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی و ضرورتهای اقتصادی باین تغییرات مجبور شده است.

از همه اینها گذشته اپوزیسیون انقلابی با رژیم موجود دارای یك اختلافنظر تاریخی عیقتر است. چنانکه بکرات گفته ایم تنها یك دولت ملی و دمکراتیك که بتواند انرژی های انسانی و طبیعی را در میهن ما با نقشهٔ علمی بعد اعلا تجهیز کند و ایران را با آهنگ جامع رشد در همهٔ جهات مادی و معنوی سرعت پیش برد قادر است معضل بزرگ ملی ایران یعنی پر کردن فاصلهٔ ژرف با کشورهای راقیه را حل کند. واقعیات نشان میدهد که این فاصله در شرایط کنونی در کار بسط یافتن است. اقدامات و رفورمهای نیم بند رژیم درجهت تثبیت وضع بسود سرمایه داران و ملاکان و امپریالیستهاست نه درجهت تحول وضع بسود اکثریت مطلق مردم ایران.

بنا باعتقاد ما رژیمکه راه سرمایه داری را دریش گرفته، بسرمایه داری امپریالیستی تکیه میکند و میخواهد اشکال قرون وسطائی سلطنت مستبده و اشرافیت را حفظ نماید و آزادیها و حقوق دمو کراتیك خلق را سرکوب کند قادر نیست این معضل تاریخی را حل نماید. مسلماً این رژیم در آینده با بحرانها و تناقضات عیق جدیدی روبروخواهد شد.

وظیفه نیروهای تحول طلب آنست که هم در راه بعقب نشینی واداشتن رژیم و هم ایجاد شرایط اجتماعی و سازمانی برچیدن بساط آن مبارزه کنند. مشی سیاسی توضیح شده در فوق را تنها باید در این مقطع تهیه

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۴

هدف های استراتژیك و وظایف مبرم حزب ما

زیرا تنها در این مقطع است که این مشی ماهیت و محتوی انقلابی خود را حفظ میکند و به مرحله ای در راه پیشرفت هدف های دورنمائی و استراتژیك جنبش مبدل میگردد.

برای داشتن خط مشی سیاسی، تبلیغاتی و تشکیلاتی صحیح نه فقط باید ارزیابی صحیح و واقع بینانه ای از وضع موجود داشت، بلکه باید گرایشهای رشد و مسیر تغییرات اقتصادی و اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داد. یعنی باصطلاح علمی نه فقط دیالکتوسیك بلکه پروگنوسیك نیز ضرور است. ما میخواهیم تا این گرایشها را بیان داریم.

از جهت اقتصادی ایران اکنون در جادهٔ بسط مناسبات سرمایه داری پیش میرود و این امر ناچار موجب تزید تدریجی تضاد ما بین سرمایه داری خودی و سرمایه داری امپریالیستی و عمال کبیر آدور آن میشود. هناصری از این تضاد از هم اکنون بروز کرده است و علیرغم هر گونه وقفهٔ موقتی که روی دهد بیش از پیش بروز خواهد کرد.

از جهت اجتماعی در آرایش طبقاتی جامعه تغییراتی روی میدهد. پرولتاریا روز بروز پر عده تر میشود و بیش از پیش نیرو میگیرد. در ده فشردگی تسریع میگردد و طبقهٔ یکپارچه «رعیت» تجزیه میشود. دهقانان و خورده بورژوازی شهر و ده و قشر رشد یابندهٔ روشنفکران بیش از پیش مهر و نشان خود را بر حوادث میگذارند و چارچوب مؤثر سیاسی رژیم استبدادی کنونی برای محتوی اجتماعی نو، روزبروز تنگتر میگردد. گرایش دیگری که در آینده تاثیرات نیرومندتری باقی خواهد گذارد تغییر تناسب نیرو در عرصه جهانی، قدرت روز افزون سوسیالیسم و ناتوانی روز افزون امپریالیسم است. از جمله همین تغییر تناسب درعرصه جهانی است که امروز رژیم را بایجاد تغییراتی در تاکتیك داخلی و خارجی خود واداشته وهمین تغییر تناسب است که در آینده رژیم را به تغییرات باز هم بیشتری وادار خواهد کرد.

این گرایشها نشان میدهد که برخی بدیده ها که امروز جنبهٔ گذرا و عرضی و گاه گمراه دارد در آینده میتواند استواری بیشتری کسب کند. این کیفیت مطلبد که حزب طبقهٔ کارگر دائماً گوش بزنگ حوادث باشد، سیر امور را با دقت دنبال کند، بموقع تیجه گیری نماید، احکام کهنه شده را بدور اندازد و خود را باحکام و نتایج نوین مجهز گرداند و شیوه‌های مبارزه و تبلیغ وسازمانی خود را با وضع نو و مقتضیات و ضرورتهای نوین تطبیق دهد.

تنها بدین ترتیب است که حزب ما میتواند خود را به نیروی نافذ، مؤثر، رهنمون و غلبه ناپذیر در تاریخ کشور بدل گرداند و خود را از خطر عقب ماندگی و دن کیشوتیسم سیاسی در امان نگاه دارد.

اشکال مبارزه در شرایط کنونی

دادن شعار های درست کافی نیست، برای اجراء این شعار ها باید مبارزه کرد. وظیفه ما ارشاد رژیم نیست، وادار ساختن او بقبول خواستهای مردم است. رژیم وادار نمیشود مگر آنکه با مبارزه روبرو گردد. برای اجراء شعار های مبرم حزب اشکال مختلف مبارزه وجود دارد مانند بسط مبارزات مطالباتی و اعتصابی، تظاهرات، اجراء مبارزات انتخاباتی، شرکت در سازمانهای سندیکائی و بسط جنبش سندیکائی، ایجاد کمیته های دفاع، استفاده از افکار عمومی ایران و جهان. افشاگری و نقادی مستدل و ناقد، استفاده از تناقضات، وحدت عمل با نیروهای اپوزیسیون و همکاری دراز مدت یا کوتاه مدت با کلیه نیروهائی که در این یا آن نکته حاضرند با ما قدم مشترك بردارند و غیره و غیره.

توده ها باید بتوانند در هر جا که مردم مجتمع هستند، در جمعیت های کارگری، دهقانی، دانشجوئی، زنان، جوانان، ورزشی، فرهنگی و غیره و غیره شرکت کنند و مبارزه مردم را متشکل سازند و آنرا رهبری نمایند. اگر توده ایها به افراد، گروهها و شبکه‌ها جدا از زندگی و مردم و مبارزه مبدل شوند، جز مشتی ابراز احساسات انقلابی، کاردیگری از آنها ساخته نخواهد بود. تنها انقلابیونی که محیط واقعی را درك میکنند، با آن پیوند دارند، با آن در می آمیزند، میتوانند محرك نیرد باشند، آنرا سازمان دهند، آنرا بجلو برانند، قادرند جادهٔ پیروزی را هموار سازند.

داشتن مشی صحیح شرط لازم است ولی کافی نیست پس از داشتن مشی صحیح عمل مؤثر و خردمندانه ضرور است. علم بی عمل درخت بی بر است. حزب بدون مبارزهٔ عملی، گروه جدا مانده از زندگی و باشگاه صحبت و انجمن علمی است.

این بسیار درست و بجاست که حزب برای منقح کردن مشی سیاسی خود، جدا کردن آن از سکتاریسم و اپورتونیسم، مشخص کردن هدفهای استراتژیك و تاکتیکی خود مبارزه میکند و در واقع نیز در این زمینه به نتایج روشن تری رسیده است.

ولی باید درعین حال با نیروئی ده چندان به اجراء عملی مشی خود بپردازد. تمام تکه مرکزی در همین جاست نباید در باره تحول خود بخودی وضع و جهت مطلوب، کمترین پنداری بخود راه داد. رژیمی که بر کشور ما مسلط است دارای تمهیدات ارتجاعی عمیق است. فقط و فقط از راه مبارزه، از راه فداکاری، از راه مقاومت، از راه سرسختی درخواستهای حق و عادلانه میتوان برای نهضت و مردم روزنه‌ای به پیش گشود. آنچه که موجب پیدایش برخی تغییرات در رژیم شده است مبارزه و مقاومت است و همین مبارزه و مقاومت است که اگر درمجرای درست و واقع بینانهٔ خود سیر کند، قادرست وضع را بسود مردم و جنبش رهائی بخش ایران تغییر دهد. باید به روحیات شکست طلبی، یأس و فرسودگی از مبارزه میدان نداد و شعلهٔ نبرد و پایداری را کسانکان فروزان نگاه داشت و فروزانتر ساخت.

مبارزه علیه دو برخورد نادرست - اهمیت تلاش تئوریك حزب

برای تکمیل سخن نکته دیگری را نیز باید افزود و آن ضرورت مبارزه علیه دو برخورد نا درست در مسائل استراتژیك و تاکتیك است.

یکی از این دو برخورد، برخورد چپ روانه است که چنانکه گفتیم شرایط عینی و ذهنی ضرور اجراء هدف استراتژیك را با در نظر نمیگیرد یا بدانها کم بها میدهد. خطر چپ روی در حزب و نهضت وجوددارد و علل آن نیز روشن است، سیاست ارتجاعی و اختناق آور رژیم، سرکوب جنبش اپوزیسیون، مشکلات حاد و متعدد زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ما خشم و طغیان مقدس در دلها آتشه کرده است. مردم خواستار تحول اساسی در وضعی هستند که نمیتواند امید و اعتماد آنها را برانگیزد و قادر نیست دورنمای یك جامعه عادلانه را در برابرشان بگستردد. این امر منجر به پیدایش روحیه شتابکارانه و عجله جویانه میشود ومحیط شعار های نامنجیده را مساعد میگرداند.

ولی خطر انحراف تنها به چپ روی منحصر نیست. خطر برخورد راست روانه نیز وجود دارد و علل آنهم روشن است، این واقعیت که حزب ما و نهضت رهائی بخش دچار اشتباهات و ناکامیهای متعدد شده اند و اکنون نیز قادر نیستند دورنمای یك موفقیت سریع را در برابر مردم بگشایند، این واقعیت که رژیم دست به رفورم، عقب نشینی ومانور های اجتماعی زده است و تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی خود وارد ساخته است، و سرانجام انواع خستگیها و فرسودگیهای روحی، میتواند تمایل به دمساز شدن با رژیم، بپا دادن به اقدامات اصلاحی آن، ناچیز گرفتن هدف استراتژیك تحول انقلابی جامعه و غیره و غیره را تقویت کند.

باید دانست که حزب ما یك حزب انقلابی است نه رفورمیست. ما خواستار تحول بنیادی جامعه ایرانیم و اقدامات رژیم در چارچوب حفظ سازمان ها و نظامات غیر دمکراتیك و ضد خلقی است. رسالت تاریخی یك حزب انقلابی شکافتن این چارچوبهاست.

تمام مسئله در آنست که حزب انقلابی درمبارزه سیاسی خود از طرفی طوری واقع بینانه عمل کند که بتواند واقعاً یك نیروی مؤثر تحول و تغییر در جامعه بدل گردد و تنها به لفاظیهای تهی، بسنده نشاید و از طرف دیگر و در عین حال طوری اصولی عمل کند که مبارزات تاکتیکی و برخورد واقع بینانه او را ازهدف های اساسی منحرف نگرداند.

چنانکه در آغاز این مقال گفته شد تلاش حزب برای روشن کردن نظر خود در چهار عرصه، جهان، ایران، جنبش و حزب باید ادامه یابد. در هر یك از این عرصه ها باید بدو نکته اساسی توجه شود، ۱ - ارزیابی وضع و گرایشهای رشد و ۲ - روشن کردن وظایف. از آنجا که وضع در تغییر است، وظایف نیز در تغییر است لذا اسناد و استنتاجات در برخی از نکات خود کهنه میشوند. لذا وظیفه تحلیل تئوریك چنانکه گفته شد، وظیفهٔ مستمر است. ما امیدواریم که در مسائل مربوط به جنبش و حزب نیز بررسیهای تحلیلی جدا گانه‌ای خواه بصورت نوشته خواه بصورت مقاله نشر دهیم و ازمشورت جمعی برای تنظیم تدریجی پلاتفرم حزب مدد گیریم.

کمترین فایده این عمل آنست که به تشتت موجود در آراء ونظریات تا حدمحسوسی خاتمه خواهد داد و برای مبارزه حزب زمینهٔ درستی تهیه خواهد کرد.

بعلاوه بررسی مطبوعات سازمانهای دیگر اپوزیسیون نشان میدهد که در کنار تضج افکار و ایدئولوژیهای این سازمانها، مقدار زیادی مسائل نادرست بمیان کشیده میشود که دارای ظاهر استدلالی، علمی و حتی انقلابی است. حزب ما باید با روشن کردن خواستها، برآورد ها و وظایف خود در زمینه های چهارگانه دست یك پولیك وسیع، علمی اصولی واستدلالی برای پیشرفت نظریات خود و روشن کردن نظریات و جریانات نا درست بزند. مبارزه تئوریك و ایدئولوژیك در شرایط کنونی اهمیت درجه اول کسب کرده است. با آنکه ما مارکسیستها - لنینیستها به تقدم عمل بر تئوری معتقدیم این بدان معنی نیست که میتوان به عمل بدون تئوری دست زد. عمل بدون تئوری صحیح گام بقدری مضر است که بهتر است اصلاً بدان دست زده نشود. تشبیه بسیار بلیغ عمل و جنبش انقلابی بکشتی و تئوری بقطب نما فراموش نشود. کشتی بدون قطب نما بگرداب میرود و قطب نما بدون استفاده عملی زنگ میزند. لذا پراتیسیسم و کم بها دادن بتئوری که متأسفانه دیده میشود مضر است. استراق در پیچهای آکادمیك و تبدیل حزب به باشگاه بحث های بیزانسی، دور از کشور، دور از مردم، دور از نهضت نیز نه فقط مضر بلکه مضحك است.

تمام روح دیالکتیك دریافت رابطهٔ متعلقی بین قطب های متضاد است.

ا. سپهر

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهولم (سوئد) ارتباط با پیك ایران، «مدرسه مردم» «جبهه ملی» و «سازمان بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهادهای خود را برای بهبود راه و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

یادی از جنبش های اجتماعی و انقلابی تاریخ کشور ما

تاریخ دیرینه و پر فراز و نشیب کشور ما سرشار از جنبش ها و پایه‌ارهای گوناگونی است که از طرف خلق های ایران علیه ستمگران داخلی و یا متجاوزان خارجی و یا هر دو بوجود آمده است. بیشتر تاریخ نویسان شرح حالات طبقات حاکمه و فرمانروایان و حوادث دوران آنها را بتفصیل نوشته‌اند اما غالباً از ذکر جنبش های سیاسی و فکری توده های مردم علیه آنها یا خودداری کرده و یا اگر هم به آنها اشاره پرداخته‌اند با تحلیلی غیر علمی و با غرض آلود بنفع حکومت های زمانشان خود همراه است. شناختن از جنبش های مترقی گذشته، شروش و بقوا و یا انقلاب یاد نموده و جنبه انقلابی و پیشرو آنها را در تاریکی نهفته‌اند بخلاف و افکار مترقی که دارای هسته های مقاومت و یا نیرهی ایمان فکری علیه ایدئولوژی طبقه حاکم بوده رنگ الحاد و کفر و زندقه زده‌اند بوجود این مدارک و منابع کافی برای جمع آوری این نهضتها و تحلیل آنها بسر پایهٔ علمی وجود دارد. در این زمینه در گوشه و کنار که کارهائی علمی و یا ارزش انجام شده که دارای نقائص فراوانی است. تحقیق در باره تمام نهضت ها، قیام ها و مقاومت های که در تاریخ کشور ما بوقوع پیوسته از حوصله این مقال و از عهده نگارنده این سطور خارج و خود کار بزرگی است که باید انجام گیرد در این مقاله سعی میشود مدارک و نوشته‌ها از این جنبش ها به ترتیب تاریخ وقوع آنها نشانه و نشان داده که خلق های ایران وارث سنن انقلابی دیرین و گرانبهائی هستند که باید از آنها در مبارزه‌شد استعماری و ضد ارتجاعی امروز الهام و عبرت گیرند.

جنبش های اجتماعی و انقلابی در دوران قبل از اسلام

مدارک تاریخی موجود از این دوران دو جریان وسیع خلقی را که یکی بصورت پایداری فکری مذهبی و دیگری بصورت قیام و جنبش سیاسی است نشان میدهد. اول بسط و توسعه افکار و عقاید مانی و دوم پیدایش مزدک و قیام مزدکیان است. مانی (۲۱۶-۲۷۶) میلادی مؤسس طریقه مذهبی است که بر دوگانگی یا بر ثنویت استوار است. از جهان را مرکب از نور و ظلمت میداند و معتقد است که نور ماهیت زندگی، حیات و نیروی ایجاد است که در تمام اشیاء وجود دارد و در درون آنها محبوس است و ظلمت است نجات او و پیروزی او بر ظلمت فعلاً از راه ریاضت و زهد و پرهیز امکان پذیر است. هنگامیکه ظلمت و محتضن گرسنگی (نظامیان روحانی) مسیحی و بودائی است که درسیستم فکری منظمی بهم پیوند داده شده است. نظریات مانی در آن دوران از طرف مؤیدان روحانی و کشیشان مسیحی و زهیران بودائی بعنوان کفر و زندقه محکوم گردید و آنها که خود را یک پیکر پیوسته گرد هال مذهبی بوده‌اند متحد شده بندند گرد شده تقاضای بمرگ محکوم شد و عده‌ای از پیروان او مقتول گردیدند. مزدک مانی و تعقیب طرفداران او مانع از آن نشد که عقایدش بسرعت بین دهقانان و زحمتکشان شهری که در زیر ستم دوگانه اشراف و موبدان رنج میکشیدند توسعه و بسط یافته و مظهر مقاومت آنان علیه ستمگران گردد. زهد و پرهیزکاری اشاعه و زنده‌ها در تمام قرون وسطی شکلی از مقاومت توده ها علیه نظام ظالمانه موجود و وسیله‌ای برای ابراز مخالفت و نافرمانی و عدم تسلیم آنها بوضع اجتماعی و طبقات حاکمه بوده است و هر وقت شرایط امکانات برای قیام و مبارزه مهیا بوده آمده است. توده های ناراضی جنبش های بزرگ سیاسی پدید آورده‌اند و به ثمره علنی علیه جباران و ستمگران قیام زنده‌اند. بعلاوه در دوران قباد پادشاه ساسانی (اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم) از درون جنبش دهقانی جنبش مزدکی برخاست و در اساس عقاید مانوی طریقه مزدکی با خصوصیات یک مبارزه دهقانی و عملی پدید و بعدسیاری افکنیش سردار ایرانی در خراسان قیام نهضت خرم دینان را سرکوب و پایان کار به شجاعت و چالاکی بی نظیر بود از راه مکر و فریب گرفتار و نابود کردند (سال ۵۲۳م.) برای اولین بار پرچم سرخ را طرفداران پایان در گرگان و طبرستان بعنوان پرچم انقلابی علیه عرب بکار بردند و جامه سرخ را بعنوان نمودار قیام ، جامه پیروان خود قرار دادند قیام خرم دینان سرکوب شد ولی جنبش ضد انقلاب‌گرای عرب ادامه یافت.

قیام مازیار - مازیار بن قارن یکی از امیرزادهای طبرستان، پیشوای فرقه‌ای از خرمدینان بود که بنظر کارشناسان از اشوراها گرفته و بدانها واکذار کرد. درسال ۲۲۴ علیه حکومت خلفای عباسی قیام نمود ویس از مدتی گرفتار و در سامره مقتول گردید. ومرضمین سال افشین که در سرکوبی خرم دینان و مزدک بکار خدمت پیوزگی بخلفای عباسی کرده بود در زمان معتصم خلیفه عباسی اراده آنها این بود که پس از شورش و بقوا و افشین نیز بنهانی با آنها برای آزادی ایران قول وقرار گذاشت ولی در جنگ سختی خرم دینان و مزدک بکار بنهانی داه.

قیامها و جنبش های فوق همه دارای خصلت ملی و ضد تسلط خارجی بر ایران بوده است. یکی از علل مهم ناکامی آنها این بود که پس از شورش خرمدینان مردم از لحاظ فکری سلاحی که قیام کند نداشتند. مزدک کهنه و زنگ زده و بی اساس عقاید و افکار دوران ساسانی و احیای نظامات کهن بود که قرنها بر روی آنها گذشته و متناسب با شرایط زمان نبود. رهبرانی‌ایران‌ها با همه علمی مترقی افکاری چون افکار مزدک توده مردم را بحرکت میآوردند ولی همیشه کمبودی‌ایجاد‌نمودیه‌اکثریت‌ایران‌زمان‌ساسانی‌را انتخاب مینمودند و بدینطریق از توده ها جدا میشدند اما بهر صورت در مجموع خود زمینه را برای آزاد کردن ایران از قید حکومت غیر فراهم کردند تا آنکه طلعرانی و صادیانی و سیاستیرانیا اجرائی سیاست دیگری بتدریج حکومت های مستقل‌ایرانی را تشکیل دادند.

در کنار جنبش های فوق جنبش های دیگری بوقوع پیوسته که از لحاظ ظاهر بر اساس قبول دین اسلام مبنی است ولی در واقع مظهر نارضائی توده های مردم و قیام ملل مغلوب در ممالک اسلامی از جمله در سر زمین ایران علیه حکومت عرب است. موقعی که خلفای اموی بر سر کار بودند کسانی نقاده ایرانیان بمخالفت آنها یعنی جنبش پیوسته تا آنکه حکومت اموی را بر انداختند همینکه عباسیان بحکومت رسیدند همچنین با شیعیان که مخالف حکومت عباسیان بود گرانه شدند و دسته‌ای بخوارج که آنها نیز مخالف حکومت عباسی بودند پیوستند. زمینی هم سعی کردند که با هر گروه رابطه بر قرار کنند. در تمام این جنبش ها نارضائی توده های مردم دیده و اساس بوده که باید بهبود زندگی مادی خود برهبران قیام پیوسته‌اند.

قیام دنگیلان یا بهلیه آل اکزاج - در ماه شوال ۲۵۵ ق. هـ. (۸۶۹) میلادی آغاز شد و قریب ۱۵ سال طول کشید عباسی موام یافت. همه اساس این قیام را بزرگان که در قرون اخیر خاک پاشور وسیعی تبدیل شده بودند تشکیل میداد. رهبر این قیام که دست کسی از قیام معروف اسماعیلیه‌اکوس ندارد هر دش بن محمد بن عبدالرحیم است خلوقاده از طرفداران آل‌علی بود که درطالقان سکونت داشتند و بنفرین ایرانی هستند. علی با دادن شعار آزادی بزرگان جنبش رنگیلان را بوجود آورد و در منطقه بصره مقام گرفت بزرگان از هر طرف بر او گرد آمدند و جنبش این جنبش تبدیل شد که معروفترین مدرارات عرب مگر از بزرگان انقلابی شمرده شده و صاحب‌الزنج در مدت پانزده سال بر نواحی دیگری مقتد آبادان ، اهواز ، شوش ، دشت میشان وبجی و گشتیشوبر دست یافت وعظیت خلیفه عباسی الموفق ، موفق بر سر کوب آنان شد. یکی از علل شکست آنان تغییر رویه‌ای بود که پس از فوحات اولیه و بدست آوردن غنائم و ثروت بدان جهز شدند شیوه خلیفه‌گری و غلام داری و گرد آوردن مال بین آنان رواج یافت و موجب حلف آنها شد.

۱. کوزا

بعلت تراکم مطالب بقیه این مقاله در شماره آینده درج خواهد شد.

در خراسان پایان داده شود ابومسلم از میان رفت ولی جنبش در خراسان پایان نیافت.

استاد سیس - در سال ۱۵۰ هجری یکی ازمردم خراسان بنام استاد سیس در خراسان قیام کرد و بر تمام بلاد خراسان تسلط یافت و حکومت عرب را برانداخت تا آنکه سپاهیان عظیمی از طرف خلیفه بخراسان آمد و در جنگ سختی این قیام سرکوبشد و در سال ۱۵۱ هجری استاد سیس را بدار آویختند.

قیام سنباد - پس از قتل ابومسلم ابو مسلم خراسانی قیام های دیگری در خراسان پدید آمد که از جمله آنها قیام سنباد مجوسی است. او دهقانی از نیشابور بود و بپیروان فرقهٔ راوندی پیوسته و بسیاری ازمردم کوهپایه‌های خراسان بدورپیوستند و بخوفتوفانی ابومسلم قیام کردند منصور خلیفه عباسی این قیام را با اعزام سپاهی گران سرکوب کرد اما جنبش باشکال دیگری ادامه یافت.

راوندیان - نهضت راوندیه که بدست ایرانیان پدید آمد در کوفه آغاز گردیدو صورت مذهبی‌داشت ولی در جریان تکامل خود در عهد منصور خلیفه عباسی صورت کامل سیاسی گرفت. چنانچه در کوفه زندانها بنگستند و آهنگ کشتن منصور کردند که اوسیاری از آنان را کشته بود و دکتر حسن ابراهیم حسن در کتاب «تاریخ سیاسی اسلام» درباره این فرقه چنین میگوید « منصور ، راوندیان را مشمئل دولت خویش میدانست و میدانست که ایشان پیروان ابومسلم دشمن دیرین وی بودند و همفشان این بود که علاقات را بساعات خسروی مبدل کنند و هم ایشان را تقدیر و خارج دین میشمرد که میخواستند یکی از دینهای قدیم چون زردشتی گری یا مانوی یا مزدکی را زنده کنند و یا آنها همان مقام کرد که با ابومسلم کرده بود و بیشترین دعهی کشاورزشی کرد اما نتوانست ریشه آنها را نابود کند و بعبورتهای مختلف آنکار شدند و خودشهای مقتع خراسانی و بابك و امثال آنرا پدید آوردند.

کاخ هاشم بن حکیم و سپید جامگان - در سال ۱۵۹ هجری هاشم بن حکیم (المقنع یا نقاب‌دار) از خراسان و مقوراءالنهر علیه خلیفه‌انگرای عرب قیام کرد هاشم از افکار راوندیه که نوعی شیعه‌گری بود سرچشمه میگرفت ولی از نظر اجتماعی محتوی آن مبارزه علیه عباسی و متضمن قسمتی از افکار مزدکی بود توده های کثیر دهقانی بدو پیوستند و سلسله‌ایه حکام عرب بجنگ پرداختند و مدتها طول کشید تا خلفا با اعزام لشکر سپاه درسال ۱۶۶م. توانستند این جنبش را سرکوب کنند ولی پیروان او بعقیده‌ای که مشمئل شرکت حکومت عرب بودند روزگاری دراز در ولایت کش و نخشب و پارهای از ناحیه های پخارا باقی ماندند. قیام مقنع ایرانی بنام سنباد علی و عنبر عربی بود که مشرب مهلکی بسلسله خلفا در شرق ایران وارد کرد و یکی از عوامل مقدماتی قیام بابك ایران بود که حکومت خلیفی در آزادی منطقه و رشد فیلهای دیگر در سایر مناطق ایران است.

قیام بابك خرمدین و سرخ جامگان - قیام بابك بسال ۲۰۱ ه. از شهر اردبیل در آذربایجان آغاز شد و تبدیل بیك نهضت وسیع خلقی عنیف گردید. تعلیمات بابك دنباله تعلیمات راوندیه و المقنع است و شامل بسیاری از عقاید اجتماعی مزدك میباشد. جنبش بابك مدت بیست سال پیوسته‌دامه داشته و قادت بابك در چندین جنگ بعقرین فرماندهان خلفای عباسی را که با سپاه گران بسر کوبیش آمدند شکست داد و منطقه وسیعی را که به بلاد بابك معروف شده بود آزاد کرد. جنگهای خرم دینان با بزرگترین نیروی نظامی آنروزان یعنی نیروی خلافت اسلامی بر از شجاعت وجلادت و حسن تدبیر است قسمتی از اطلاعات نظامی آنها را میتوان با جنگهای بزرگ‌ایرانی امروز مقایسه نمود وبن بیست‌سال خلفای عباسی تمام نیروی خود را جمع‌آوری آمد. مزدك یکی از چهره های شگرف تاریخ‌ملت ایران و از اصلاحات بشر دوستانه است او نیز مانند مانی بفرقه‌گذاری معتقد است وجهان را مرکب از دو عنصر نور و ظلمت میداند که دائماً در نبرد هستند ولی بر خلاف مانی ، مزدك در این نبرد همواره پیشرفت و سیر در جهت پیروزی نهائی‌الخیب‌پوشائی میداند مزدك میگوید وظیفه انسانها کمك به نور در نبردهند ظلمت است. مزدك کینه و جنگ را باعث تاریك شدن سعادت زندگی و بدبختی وفقر و پریشانی توده‌ها را داده تشریکی میشمرد و برآنست که برای دفع آنها باید افراطیری انسانها در استفاده از نعمات مادی را که ریشه مفاسد است از بین برد. اساس افراطی انسانها این است که زورمندان(چه اشراف و چه پیشوایان دینی) اموال اجتماعی را تصاحب کرده و دهقانان و زحمتکشان را از استفاده آنها محروم نموده‌اند. مزدك برابری در مالکیت را عالی ترین شکل عدالت میداند. قرنها جنبش مزدکیان در دوران خسرو انوشیروان با قتل عام بیرحمانه سه ملا هزار تن دهقان و مردم‌های پایان یافت ولی این تاثیر را بخشید که انوشیروان تاهار شد به اصلاحاتی مانند تقوادهان و اشراف و نظام منعنی حاکم جست زند. بعلاوه مزدك اثرات عمیق خود را تا مدتی طولانی در تاریخ کشور ما حتی پس از سیاره اسلام بخشید.

جنبشهای اجتماعی و انقلابی بعد از اسلام

اسلام در آغاز توده های زحمتکش مردم شهر و ده را به برادری و مساوات و عدالت نوید میداد و بدینطریق توانست در دل توده های رنجبر میگذشت اما پس از تسلط حکومت اسلامی و بویژه در دوران خلافت امویان و عباسیان مفاسد گردید که زمامداران اسلامی نه چنین‌اند. قبل از اسلام توده های دهقانی و زحمتکشان شهری زیر فشار فئودالها و اشراف و برده‌داران بودند ولی پس از اسلام استعمار و ستم اشراف عرب و امرا و حکام خلفا نیز بر آن اضافه شد فقط قشر جدیدی از فئودالها و اشراف و برده داران جایگزین قشر قدیمی قبل از اسلام گردید.

فشار دوگانهٔ بهانجنان خارجی و استعمارگران داخلی و فقر و مصیبت توانی انقلاب‌گرای عرب که مالیرنگ را بیست و اجتماعی بدی گنگ می نمودند موجب جنبش های گوناگون سیاسی و فکری گردید که ذیلا بنام‌های از آنها اشاره میشود.

قیام ابو مسلم و سپید جامگان

خراسان بعلت دوری از مرکز خلافت مهد جنبش‌های ضدعرب شمرده میشود یکی ازجنبش‌های بزرگ ایران‌ضد جنبشی است که بنام قیام ابو مسلم خراسانی بسال ۱۲۸ هجری معروف گردیده است در این قیام توده های بزرگ دهقانان و زحمتکشان شهر بپا خاستند تا به تسلط حکومت خلفای اموی پایان بخشند ابومسلم با دادن شعار های ضد اموی و آزادی خراسان از جور و ستم عمال آنها توده های عظیم زحمتکش را بدور خود گرد آورد و علامت عباسیان‌را که پرچم سیاه بود بصورت لباس سیاه درآورد مبارزه ضد اموی‌فرارداد ابوعبدالله‌بنروی این جنبش را چنین توصیف میکند: «مردم از هر سو بسوی او هرات و چوشتان و مرورود و طالقان و مرورود و ابیورد و طوس و سرخس و بلخ و بخارایان و خلوشیان و کش وشب بخدابومسلم روی گسردند همسگی جامه سیاه داشتند و یك نیزه چوبها را که با خود داشتند و آنرا (کافر کوب) نامیدند بسلاح روی کرده بودند.» و شمار آنان قریب یکصد هزار بود. ابومسلم یکسال توده های ستمدیده و با استفاده از تضاد امویان و عباسیان در خراسان بقدرت رسید ولی دوری او از توده های‌مردم و همکاری او با دربار خلفای عباسی که منجر بقتل ابومسلم‌درداده‌اش بیست منصور خلیفه گردید منع از آن شد که بحکومت اعراب

بقیه از صفحه ۱

کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان

میهمانان این جلسه بود . رفیق عبد الصمد کامبخش رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران در نطقی که ایراد کرد پس از تبریك و تشکر از دعوت برای شرکت در این جلسه و پس از ذکر کامیابی های بزرگ بلغارستان در ساختمان سوسیالیسم در کشور خود اظهار داشت :

«مقام والاتیکه حزب کمونیست بلغارستان به دست آورده است تنها در بکار بردن خلاق مارکسیسم - لنینیسم در سیاست داخلی نیست . حزب شما در مقیاس جنبش بین المللی کمونیستی نیز همواره پرچم مارکسیسم - لنینیسم را برافراشته داشته است . در همه مسائل سیاست بین المللی حزب کمونیست بلغارستان تلفیق درست میان پرستش ژرف و انترناسیونالیسم پیدریغ پرولتری را نمونه وار نشان داده است . حزب ما بنوبه خود همواره این خصیصه را بویژه هنگام کارزار برای نجات جان رفقای محکوم بمرگ ما غاوری و مکوشی از نزدیك احساس کرده است . اجازه بدهید از تریبون این کنگره تفکرات صمیمانه حزب خود را از این ابراز همدردی تقدیم داریم.

« اظهارات رفیق ژیوکف در باره آمادگی شما برای کمك همه جانبه بمبارزهٔ مقدس خلق قهرمان ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم امریکا حاکی از همین انترناسیونالیسم عمیق حزب شماست. کمك بسزائی که کشور بزرگ اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی بخلق ویتنام میکنند در حقیقت کمکی است به همهٔ خلقهای ستمدیده ایکه در راه آزادی خود میرزمند زیرا مبارزه خلقهای متمکش مبارزه‌ای است واحد و تفکیك ناپذیر .

بویژه از این نظر است که موضع اتخاذ شده از جانب رهبری حزب کمونیست چین ، حتی درسنله وحدت عمل درکمك بخلق ویتنام موجبات تعجب و شگفتی ما را فراهم میکند . از هر سوئی این موضع مورد بررسی قرار گیرد علت تبرئه کنندهٔ برای آن نمیتوان یافت . از نظر عینی این امر حتی است که آب بر آسیاب امپریالیسم به زیان جنبشهای آزادیبخش ملی میریزد . ما سیاست رهبری حزب کمونیست چین را که بیوجه علیه امپریالیسم امریکا متوجه نبوده بلکه تماماً متوجه اتحاد شوروی و حزب کمونیست آن و دیگر کشور های سوسیالیستی است شدیداً محکوم میکنیم . اینچه که امروز در چین زیر پرچم «انقلاب فرهنگی» انجام میگیرد شگفت انگیز است . ایران ما از جمله کشور های دارای کهن ترین و غنی ترین فرهنگهاست . عده گیری از متفکرین ، نویسندگان و شعراء بزرگ که نمایندهٔ افکار مترقی زمان خود بوده اند زینت بخش تاریخ فرهنگ ما هستند. آثار آنان گنجینهٔ ما را تشکیل میدهد . موجب فرود ملی ماست و هیچگونه انقلاب فرهنگی از نوع آنچه که در چین جریان دارد نمیتواند ما را از این گنجینه جدا سازد .

ما با نظر حزب شما در مورد دعوت جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری کاملا موافقیم. قبلا هم در این زمینه اظهار نظر کرده ایم . بنظر ما موقع اکنون برای این اقدام فرا رسیده است .»

در مورد تحولات رژیمی که در ایران پس از کودتای ۱۹۵۳ شاه زاهدی برقرار شد ناطق گفت : «رژیم کنونی ایران تحت فشار نیروهای امپریالیسم که عمده ترین آنها را حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

یادی از ۲۱ آذر و جنبش دموکراتیك مردم آذربایجان

آذربایجان تکیه گاهی برای پیروزی دمکراسی در سراسر ایران باشد . علت آنکه علاوه بر حزب توده ایران احزاب و نیروها و رجال ملی و مترقی و اوانجمله حزب ایران - و آقای دکتر مصدق از جنبش مردم آذربایجان حمایت کردند در همین امر است . حزب ما هرگز با تمایلاتی که منافی تمامیت و استقلال کشور است بهر شکلی که باشد سر موافقت ندارد و با اعتقاد باین عقیده است که مردم آذربایجان در قیام و اقدام علنانه خود جز این نمی خواهند به پشتیبانی آنان برخاست و این پشتیبانی را کماکان و در تمام شرایط مشوار هجوم و اتهام از جنب ارتجاع ادامه داد .

شاه و ارتجاع ایران پس از آنکه جنبش آذربایجان را قانونی شناختند پیمان شکنانه بر آن ضربت زدند . دهها تن از بهترین فرزندان دلیر فرقه دمکرات آذربایجان و مردم آذربایجان و سی و سه تن از شریف ترین قهرمان ارتش ایران که بخاطر سعادت وطن باین جنبش پیوسته بودند در محاکم نظامی محکوم بقتل شده و و بشهادت رسیدند . هزار ها تن دیگر از زحمتکشان آذربایجان بدون محاکمه در کوچه و خیابان و دروستها بقتل رسیدند .

اکنون ۲۱ سال از این تاریخ میگذرد ولی هنوز خاطره فرشتان این شهیدان در ضمیر مردم آذربایجان زنده است . رژیم شاه طی این ۲۱ سال کمیابی در راه حل خواستهای خلق مردم آذربایجان بر نداشت . کوچ عظیم جمعی مردم آذربایجان بخاطر دیگر نشانهٔ آن است که این خطه زرین در اثر سیاست رژیم هنوز قادر نیست حتی نفت روزانهٔ مردم خود را تامین کند . شعله جنبش در خاك آذربایجان ضمن فرو نخفت . مبارزه و شهادت پنج تن از فرزندان دلاور آذربایجان ایوب کلانتری، رمضانپور ، جهانبانی ، مظیم زاده و جوادفرقی سالهای پس از سرکوب جنبش دموکراتیك آذربایجان خود نشانه آنست که روح پیکارجوئی مردم آذربایجان بیدارو فعال است . منافع مردم و زحمتکشان آذربایجان جدا از منافع مردم وزحمتکشان سراسر ایران نیست . بر اساس این واقعیت است که حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر را تحقق بخشیدند و اکنون فرقه دموکرات آذربایجان جزئی از حزب واحد طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران است . مردم ایران براهمیتی این حزب در راه نیل بهدفهای تاکتیك و استراتژیك جنبش رهائی بخش ایران در مرحلهٔ انقلاب ملی و دموکراتیك بهیزم می‌کند . تردیدی نیست که جنبش مردم آذربایجان همراه دیگر خلقهای ایران در راه احقاق حقوق میهنی ، طبقاتی و سایر خود سرانجام به پیروزی خواهد رسید .

تشکیل میدهد از برخی مواضع خود عقب نشینی کرده و به پاره ای دگرگونیها دست زده است . مسافرت شاه یکشور های سوسیالیستی یکی از عقب نشینی هاست . باید متذکر شوم که حزب ما از روز اول تشکیل خود لزوم برقراری مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی را که در آینگام پگاه کشور سوسیالیستی بود یکی از مواد اصول برنامهٔ خود قرار داد . بدیهی است که این نظر اکنون باید بکشور های دیگر سوسیالیستی نیز بسط داده شود . اینگونه مناسبات منطبق با مصالح مردم ما خواه در حال حاضر و خواه در آینده است . ولی این بدان معنی نیست که در مبارزه ما برای آزادی

بقیه از صفحه ۸

زنان و مادران ! جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنید و آنرا به پیروزی برسانید !

ملی ایران حقوق زنان تحکیم خواهد شد» و در حقیقت با این جمله مخالفت خود را با طرح ۱۷ سناتور بیان داشت . نقبه های مخالف دربار و دولت و مجلس نشان داد دربار که خود را «منجی» زنان معرفی میکند تحمل «رقیب» رهبری زنان را ندارد وابن نکته بخصوص در نطق هویدا که در مجلس، منکر طرح را «حرص برای رهبری نهضت زنان» معرفی نموده است آشکارا بچشم می‌خورد . دربار با این طرح و آن قطعنامه مخالف است از آن نظر که اصولا معتقد به تجدید نظر همه جانبه و عمیق در قانون مدنی نیست و ثانیاً مایل است ابتکار عمل دردست او باشد وبراین اساس اکنون که تا گزیر از قبول تغییراتی در وضع حقوقی زنان شده است میخواهد ضمن جلب رضایت عناصر عقب ماندهٔ روحانیت ، با یکی دو گسام عقب نشینی ، هم جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را خاموش کند و هم همین اقدام سطحی و ناقص را جارچیان درباری در قالب اقدام انقلابی !! ملوکانه جا بزنند و زنان را بزور جنجال تبلیغاتی شکر گزار شاه و اشرف معرفی نمایند واین بازی چندپهلو را زیر سرپوش «عنایت» «تعالیم اسلامی» وحفظ « آداب و سنن ملی ایران» پنهان میکنند . اما این اولین بار نیست که ارتجاع ایران خود را پشت سپر مذهب و سنن ملی پنهان کرده است . در سر زمینی که ما در آن زندگی میکنیم پیوسته مذهب سپر ارتجاع بوده است . در همین سالهای اخیر ، نخستین مخالفتها با تجدید مالکیت بزرگ که جبر زمان تحمیل کرده بود در لباس «مخالفت با مذهب» انجام شد . نباید فراموش کرد که اسلام در دوران خود درراه بهبود وضع زنان عرب گامهائی بجلو برداشت . آنچه که امروز مخالفین طرح «سنن ملی» مینامند چیزی نیست جز مقررات ارتجاعی که ازهزاران سال پیش زنجیر دست و پای زن بوده است .

عجیب است که مخالفین طرح آنرا باعث «تزلزل بنیان خانواده» نامیده اند . در غرب این مخالفین گویا ایجاد حرمسرا و واگذاری طلاق بهوس مرد ، نکاح منقطع ، ازدواج دختر ۱۰ ساله با مرد ۶۰ - ۷۰ ساله و بی حقی زن نسبت به خانه و زندگی و فرزندانش موجب «استحکام» خانواده است!

اما حذف تعدد زوجات، ارجاع طلاق بمراجع قانونی ، منع نکاح منقطع ، رعایت تناسب سن در ازدواج و حقوق برابر زن نسبت به سرپرستی و تربیت فرزندانش و کانون خانوادگی اش باعث «تزلزل» خانواده !! روزگاری طرفداران نظام بردگی هم برای ابقاء تسلط وحشیانه خود بر بردگان چنین استدلال میکردند . آنها هم وجود بردگی را برای بقاء اجتماع لازم و ضروری میشمردند. سخافت استدلال طرفداران امروزی بردگی زن، کم از سخافت منطق هواداران آنروزی نظام بردگی نیست .

تیروی متحد زنان باید مواضع ارتجاع را درهم بکوبد

درنبرد بین ارتجاع و نیرو های مترقی ، این نیروی مردم است

که میتواند سرنوشت نبرد را تعیین کند و در نبردی که بین هواداران تغییر قانون مدنی و ارتجاع در گرفته است ، مبارزه متحد زنان میتواند در این میان نقش قاطع ایفاء نماید .

ما ازهمهٔ زنان دعوت میکنیم که با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند ، جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنند ، با شرکت فعال در سازمانهای موجود زنان، این سازمانها را به جانبداری عملی از تغییر قانون مدنی و کوشش مجدانه در این راه وادارند . قشرهای ارتجاعی تر این سازمانها را منفرد سازند و از تضاد بین گروههای مختلف رهبری این سازمانها استفاده نموده آنها را بجانب دفاع جدی از حقوق زنان سوق دهند . با شرکت در افتراح مجلات و روزنامه هائی که طرفدار تغییر قوانین ازدواج و طلاق هستند نظر تأیدی و تکمیلی خودرا ابراز دارند وصدای موافقین را تقویت کنند . با ارسال مقالات به مطبوعات ، تغییر این قانون ارتجاعی را خواستار شوند . با مراجعه فردی یا جمعی به مراجع دولتی و قانونگزاری، رجال وشخصیتها تجدید نظر در قانون مدنی را مصرانه طلب کنند ، سازمان ملل متحد اخیراً بمناسبت هفدهمین سال صدور اعلامیه حقوق بشر کلیه دولتها را برعایت دقیق تر موازین حقوق بشری دعوت نموده است ، اکنون بجاست که بارسال نامه وتگراف به کمیسیون حقوق بشر وکمیسیون حقوق زن سازمان ملل متحد ونیز سازمانهای بین المللی زنان وحقوق دانان بخواهند تا دولت ایران را به رعایت کامل حقوق زنان وادار کنند . وظیفه کلیه سازمانها ومطبوعات مترقی در داخل و خارج کشور است که زنان را در این مبارزه یاری رسانند .

زنان و مادران ! قانون مدنی استبدادی شماست . با کوشش متحد خود این سند ننگین را از هم بدرید !

مینو

خلق ما و ارمانهای وی در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم موجود و در راه استرداد کامیابیهای از دست رفتهٔ خلقهای کشور ما تضعیف حاصل خواهد شد . . . .»

«حزب ما بمصالح مردم کشور خود و بمصالح جنبش کمونیستی و کارگری و جنبشهای آزادی بخش ملل ستمدیده وفادار است و در این راه پرچم مارکسیسم - لنینیسم را واهتمای دائمی خود میداند.»

گرامی باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر!

دانشجویان! با الهام از خاطره شهیدان خود متحد شوید و مبارزه در راه احقاق حقوق صنفی و سیاسی خویش را گسترش دهید!

بقیه از صفحه ۱

زنان و مادران! جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنید و آنرا به پیروزی برسانید!

در صورت نبودن هیچ وارث دیگر، شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را به ارث میبرد زن فقط نصیب خودرا (ماده ۹۴۹).

با در بخش مربوط به اقامتگاه گفته میشود «اقامتگاه زن شوهردار، اقامتگاه شوهر است» (ماده ۱۰۰۵) و بلافاصله در مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۹ تصریح میکردد که اقامتگاه صغیر و محجور اقامتگاه ولی و یا قیم آنها و اقامتگاه خدمه، اقامتگاه کارفرما و مخدوم آنان خواهد بود. بیروشی پیداست که قانون مدنی زن را تا حد صغیر و محجور و خادم مرد تنزل داده، وی را از داشتن اقامتگاه مستقل محروم نموده است.

در کتاب هفتم قانون مدنی، بخش مربوط به نکاح و طلاق با این ماده شروع میشود، «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود. (ماده ۱۰۳۴) باید توجه داشت «موانع نکاح» تنها مخصوص زن نیست بلکه مرد نیز بایدبهنگام ازدواج خالی از «موانع نکاح» باشد فی المثل اگر داشتن شوهر برای زن از «موانع نکاح» است برای مرد نیز باید داشتن زن از «موانع نکاح» شمرده شود همچنانکه اکنون در تمام کشور های پیشرفته جهان معمول است.

قانون مدنی در حالیکه یك پسر ۱۸ ساله را عاقل و بالغ و رشید میشناسد و به او اجازه میدهد که هرگاه بخواهد بنا بانتخاب خود ازدواج کند، در ماده ۱۰۴۳ تصریح میکند دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، ازدواج وی متوقف به اجازه پدر یا جد پدری است.

اصطلاح ارتجاعی «زن ناقص العقل است» در اینجا محترمانه پوشش قانونی یافته و در نظر قانونگزار حتی دختر ۲۵ - ۲۶ ساله هم عاقل و بالغ و رشید تشخیص داده نشده تا بتواند بنا به توانایید خود ازدواج کند. قانون در حالیکه نکاح مرد مسلمان را با زن غیر مسلمان مجاز میداند در ماده ۱۰۵۶ تصریح میکند «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست». در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت یکدیگر ماده ۱۱۰۵ ریاست خانواده را از خصائص شوهر میداند و از اینجا بخوبی روشن میشود که قانونگزار اصولا فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده را درك نکرده است. از نظر وی ازدواج پیوند داوطلبانه زن و مرد، بر اساس علاقه متقابل، بمنظور ایجاد کانون خانواده نیست بلکه ازدواج عرضهٔ زیاست فروشی مرد است. مرد رئیس است و زن مرئوس، مرد حاکم است و زن محکوم و قانون به پشتیبانی از ریاست مرد میآید. قانون مدنی زن را وسیله لذت مرد تلقی نموده و تأکید مینماید که، «اگر زن از ادای «وظایف زوجیت» امتناع کند مستحق «نفقه» نخواهد بود. اصولا بکار بردن اصطلاح «نفقه و کسوه» در مورد زن که بحق باید شریك اموال و ثروت خانواده باشد زشت و موهن است و زشت تر و موهن تر آنکه پرداخت نفقه و کسوه در برابر ادای «وظایف زوجیت» باشد. مفهوم این ماده آنست که زن در برابر فروش جسم خود به شوهر «نفقه» دریافت میکند و این توهین آشکار است بمقام زن. قانون مدنی زن را حتی برای انتخاب مسکن خود نیز صالح ندانسته و این انتخاب را در صلاحیت مرد قرار داده است. ماده ۱۱۱۴ میگوید، «زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید «حال اگر از هر اطاق این منزلی که «شوهر تعیین میکند» سروکله یك «هوو» پدیدار شود و صحن آن صحنه برخورد و زد و خورد این رقیبان مسلوب الحقوق باشد مهم نیست زن مجبور است بنا بر اصل «تمکین از اراده شوهر» در چنین جهنم سوزانی زندگی کند. «شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند» (ماده ۱۱۱۷) مفهوم صریح این ماده آنست که مرد میتواند اگر بخواهد ازکار زن درخارج از خانه بعنوان معلم، دبیر، کارمند، کارگر و یا هر شغل دیگر به بهانهٔ مغایر بودن با «مصالح خانوادگی وحیثیات» خودجلوگیری کند اما زن که از نظر قانونگزار گویا موجودی است «فاقد حیثیت» حق ندارد به حرفهٔ خود ولو دائر کردن خانهٔ فساد و قمار خانه هم باشد اعتراض نماید. قانون در این مورد به زن کمترین حقی نمیدهد.

بوسیدگی افکار واضعین قانون مدنی، هنگامی به اوج میرسد که بمرد حق میدهد هر وقت بخواهد زن خودرا طلاق دهد، بوی حق میدهد زنان متعدد داشته باشد. شباهت این مواد و مفاسدی که از آن برمیخیزد، بر احدی پوشیده نیست و حاجت به تفسیر و توضیح ندارد. تنگین ترین بخش قانون مدنی، بخشی است که در باره نکاح منقطع بحث میکند. «نکاح منقطع» یعنی «فحشاء قانونی». ننگ است که به مرد اجازه داده شود از فقر، آوارگی، بی سر وسامانی زن سوء استفاده نموده در برابر پرداخت چند تومان، عواطف و احساسات وی را بازی گیرد و پس از تمتع از او، او را از خود براند. «نکاح منقطع» که شکل قانونی در صورت نبودن هیچ وارث دیگر، شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را به ارث میبرد زن فقط نصیب خودرا (ماده ۹۴۹).

با در بخش مربوط به اقامتگاه گفته میشود «اقامتگاه زن شوهردار، اقامتگاه شوهر است» (ماده ۱۰۰۵) و بلافاصله در مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۹ تصریح میکردد که اقامتگاه صغیر و محجور اقامتگاه ولی و یا قیم آنها و اقامتگاه خدمه، اقامتگاه کارفرما و مخدوم آنان خواهد بود. بیروشی پیداست که قانون مدنی زن را تا حد صغیر و محجور و خادم مرد تنزل داده، وی را از داشتن اقامتگاه مستقل محروم نموده است.

در کتاب هفتم قانون مدنی، بخش مربوط به نکاح و طلاق با این ماده شروع میشود، «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود. (ماده ۱۰۳۴) باید توجه داشت «موانع نکاح» تنها مخصوص زن نیست بلکه مرد نیز بایدبهنگام ازدواج خالی از «موانع نکاح» باشد فی المثل اگر داشتن شوهر برای زن از «موانع نکاح» است برای مرد نیز باید داشتن زن از «موانع نکاح» شمرده شود همچنانکه اکنون در تمام کشور های پیشرفته جهان معمول است.

قانون مدنی در حالیکه یك پسر ۱۸ ساله را عاقل و بالغ و رشید میشناسد و به او اجازه میدهد که هرگاه بخواهد بنا بانتخاب خود ازدواج کند، در ماده ۱۰۴۳ تصریح میکند دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، ازدواج وی متوقف به اجازه پدر یا جد پدری است.

اصطلاح ارتجاعی «زن ناقص العقل است» در اینجا محترمانه پوشش قانونی یافته و در نظر قانونگزار حتی دختر ۲۵ - ۲۶ ساله هم عاقل و بالغ و رشید تشخیص داده نشده تا بتواند بنا به توانایید خود ازدواج کند. قانون در حالیکه نکاح مرد مسلمان را با زن غیر مسلمان مجاز میداند در ماده ۱۰۵۶ تصریح میکند «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست». در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت یکدیگر ماده ۱۱۰۵ ریاست خانواده را از خصائص شوهر میداند و از اینجا بخوبی روشن میشود که قانونگزار اصولا فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده را درك نکرده است. از نظر وی ازدواج پیوند داوطلبانه زن و مرد، بر اساس علاقه متقابل، بمنظور ایجاد کانون خانواده نیست بلکه ازدواج عرضهٔ زیاست فروشی مرد است. مرد رئیس است و زن مرئوس، مرد حاکم است و زن محکوم و قانون به پشتیبانی از ریاست شهوترانی مرد است تنگ قانون ما است.

بخشهای مربوط به «حضانت»، «ولایت» و «قیمومت» هر یك بنوبهٔ خود اثباته از موادی به زیان زن وهواداری از مرد است. ماده ۱۰۲۹ در مورد غائب مفقودالاثر که زن را تا چهار سال از ازدواج مجدد منع میکند دارای هیچ توجیه منطقی نیست. تسامح واضعین قانون به تصریح در باره تناسب سن زوجین، موجب ازدواجهای بی تناسبی شده است که آنها را باید ازدواج فقر و ثروت نامید. بدین ترتیب دیده میشود که قانون مدنی در بخشهای مربوط به حقوق زن و مرد، جزء بجزء ناقض قانون اساسی و حاکی از عدم توجه واضعین آن بحقوق زن بعنوان عضو متساوی الحقوق خانواده وجامعه است و چون با قانون اساسی در تعارض است، در حقیقت امر، اعتبار قانونی ندارد.

بیست و پنج سال پیش که حزب توده ایران قدم به عرصهٔ وجود نهاد، با توجه به طالبانه بودن قانون مدنی، در برنامه خویش «تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشوئی و طلاق» را تصریح نمود. هنگامیکه حزب توده ایران مسئله تجدید نظر در قوانین ازدواج و طلاق یعنی تجدید نظر در قانون مدنی را عنوان کرد با استقبال پر شور زنان روبرو گردید. تشکیلات دموکراتیك زنان برهبری حزب توده ایران بزودی بمرکز تجمع وتشکل زنان مبارزی تبدیل شد که حاضر باسارت نبودند. از آن زمان تاکنون حزب توده ایران، سازمانهای علنی و مخفی وابسته بآن و مطبوعات حزب در هر فرصت از حقوق زن بعنوان انسان متساوی الحقوق دفاع نموده و لزوم تغییر قوانین ارتجاعی را در این زمینه خواستار شده اند، خوشبختانه مبارزه حزب ما در این راه بی ثمر نمانده و امروز کسانی که معتقد به تحول جدی و اساسی در وضع حقوقی زنان هستند فراوانند. حزب ما که گامهای نخستین را در راه پیداری تودهٔ زنان و جلب آنان به مبارزه برداشت توانست این تحول فکری را بآن درجه از وسعت و حدت برساند که امروز بپناه نیروئی در صحنهٔ اجتماع عرض وجود کند و خواستار تغییر بی چون و چرای قوانین ارتجاعی گردد. فشار این نیرو و تأثیر شرایط جهانی است که رژیم حاکم را اینجا و آنجا بعقب نشینهائی در مورد زنان مجبور کرده است. اجبار رژیم به تغییر قانون انتخابات و تأمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان یك پیروزی و جنبش هواداران تغییر قانون مدنی که روز بروز در میان قشرهای مختلف زنان ومردان طرفداران بیشتری پیدا میکند، طلیعه پیروزی دیگر است.

حزب ما نخستین و پیگیرترین مدافع تساوی حقوق زوجین

ارتجاع از موانع خود جلوگیری میکند

زنان عضو حزب ایران نوین در تاریخ ۲۳ مهر امسال مبتکر بنظور بررسی وضع حقوقی زنان تشکیل دادند. نتیجه این بررسی که باید کمفت بصورت جامع هم انجام گرفته است بصورت قطعنامه ای به حزب ایران نوین ارائه شد تا حزب برای اجرای مفاد آن از طریق کمیسیون پارلمانی اقدام نماید. جالب توجه است در روزهائیکه سمینار زنان بکار خود سرگرم بود، سازمان زنان ایران به ریاست اشرف ضمن انتشار آگهی کوتاهی در جراید تهران، از انتساب این سمینار به سازمان زنان تبری جست و در حقیقت عدم علاقه خود را بتشکیل این سمینار نشان داد. ظاهراً همین آگهی چند سطری کار خود را کرد و کمیسیون پارلمانی حزب لااقل تا این تاریخ هیچ گام عملی در راه اجرای توصیه های سمینار برنداشته و آنرا بفراموشی سپرده است.

اخیراً نیز طرحی به ابتکار سناتور دکتر مهرانگیز منوچهریان و بامضاء ۱۷ سناتور تحت عنوان «حقوق زن ومرد» تهیه و بدولت ارائه شد که تظاهر منطقی خواست زنان برای تغییر قانون مدنی است. این طرح نیز که باید قطعاً مورد حمایت و پشتیبانی کلیه افراد، سازمان ها و مطبوعات ملی و مترقی قرار گیرد، با عکس العمل و مقاومت شدید ارتجاع در دربار، دولت، مجلس برخورد نمود. هویدا نخست وزیر از سرکردگان حزب ایران نوین که قاعدتاً باید مدافع قطعنامه باشد و خود پیشقدم در اجرای آن شود حتی با این طرح که شعاع عمل محدودتری داشت به ضدیت برخاست و آنرا مخالف با «آداب وسنن ورسوم» ومغایر با «مقتضیات ملی» دانست وبجای آنکه بعقب ماندگی افکار خود تأسف بخورد، بحال تهیه کنندگان طرح تأسف خورد. وی بی نام و نشان، به مبتکر طرح حمله برده و وی را «تجدد طلب کاذب» خواند. بانو شوکت جهانبانی نماینده منتخب دربار که زنان از وجود او و امثال او در مجلس شرم دارند پس از تبریك تملق آمیز خود بمناسبت تولد شاه، یادآور شد که، «این طرح از حمایت ما زنان مسلمان بهره مند نخواهد گردید» تأسف انگیز است که سایر زنان نماینده نیز بجای آنکه بوظیفه خودعمل نمودودفاع ازطرح را که تأمین کننده بخش مهمی از حقوق زنان است برعهده گیرند، احسنت احسنت گویان به تأیید نخست وزیر پرداختند!! تعلق بانو جهانبانی و هویدا درمجلس نشانه آشکاری از مخالفت دربار با این طرح بود. شاه خود نیز در مراسم سلام جهارم آبان درصف زنان نماینده وعده داد که، «در آینده مطابق سنن

بقیه درصفحه ۷